

بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- حرفهای زحمتکشان ازشریبات زحمتکشان
- خلق‌ها و مسئله ملی
- اخبار کشتار سنج
- راهپیمایی خدا مهربا لیستی دانشجویان و دانش‌آموزان و حمله ارتجاع
- زیگزاگهای خدا انقلاب و انعکاس یکجانبه آن درصفا انقلاب
- گرامی باد یکدمین سالگرد تولد حیدرخان عمواوغلی (۲)
- حمله به میخینک فدائیان را محکوم میکنیم
- بازم جنایت ارتجاع! (در باره اعدام برادران عسکری)
- صفحه ۵
- صفحه ۶
- صفحه ۶
- صفحه ۹
- صفحه ۱۰
- صفحه ۱۱
- صفحه ۲۰
- صفحه ۲۰

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

دوشنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۵۸ بهای ۲۰ ریال

9861

کتابخانه ایرانی
Iranische Bibliothek in Hannover
تهران

فلسطین - ایران : يك سنگر



گزارشی از مبارزین بزرگداشت سالگرد انقلاب فلسطین در دانشگاه صنعتی شریف در صفحه ۸

انتخابات ریاست جمهوری و موضوع کمونیستها

هیئت حاکمه آخرین مراحل "تشبیت و تحکیم" مبنای جمهوری اسلامی و "حکومت عدل الهی" را با سرعت خارق العاده‌ای که ناشی از ترس و وحشت بیحد آنها از موقعیت متزلزل و شکننده‌شان در متن انقلابی نوین انقلابی جامعه است، به پیش می‌برد. انتخابات رئیس‌جمهور و سپس انتخابات و تشکیل مجلس شورای ملی آخرین حلقه‌های این اقدامات "تشبیت‌کننده" و تقویم‌بخشنده دستگاه حکومتی جدید است. انتخابات ریاست جمهوری، که رژیم اکنون در شب و تاب به سرانجام رساندن آن بصرمی‌برد، در شرایطی صورت می‌گیرد که نفاذهای درونی هیئت حاکمه، به شدیدترین وجهی چهره خود را بقیه در صفحه ۲

"حذف بهره‌و امها" يك رفرم بورژوائی در چهارچوب حفظ سرمایه‌داری وابسته

استثمار خلق‌ها آکا می‌دارند. در واقع بایستی گفت که سیستم بانکی در کشور وابسته‌ای چون کشور ما، با مرتبط کردن رشته‌های مختلف سرمایه‌داری از قبیل سرمایه‌داری صنعتی، بقیه در صفحه ۱۹

دو سال قبل با آغاز انقلابی بوده. ای، همه‌شان بدان بودیم که توده‌ها چگونه خشم و نفرت خود را با حمله به بانکها و دیگر موسسات وابسته به رژیم سابق نشان داده و ثابت می‌کردند که بدرستی به نقش و اهمیت بانکها در

قطع مذاکرات صلح در کردستان و توطئه‌های جدید هیئت حاکمه

هدف هیئت ویژه دولت در کردستان، بوجود آوردن یک قطب سازشکار از جریا نه‌های بورژوائی ارتجاعی در کردستان و سپس معامله با این قطب بر سر منافع خلق کرد است. صفحه ۶



دهقانان مبارز امیرآباد

گزارشی از مبارزات دهقانان روستای "کجلده" از توابع آمل

صفحه ۲



راهپیمایی ضد امپریالیستی کارگران سندیکی پروژه‌های آبادان و حومه‌ای

تحصن کارگران بیکار فرزین و تحریکات حزب جمهوری اسلامی

از کارگران بیکاری اکریل (اصفهان) متحصن در اداره گارحمایت کنیم

حرکت پیروزمندان دیگری از کارگران کارخانه عبیدی

گزارشی از تجمع و راهپیمایی کارگران بیکار تهران

پیروزی کارکنان صنعت نفت و عقب نشینی مقتضاحانه رژیم

گفتگویی بایکی از کارگران کارخانه بونزو

صفحه ۳

بار دیگر دعوای ولایت فقیه و خیانت لیبرالها

در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بار دیگر دعوی ولایت فقیه و خیانت لیبرالها

بار دیگر در جریان تاریخ روز جمعه قم و تبریز، سوروسوی بوده‌ها در مسیری کاملاً اجزای بکار گرفته‌اند. همچنانکه ما در حوادث قبلی تیریز سرسار کرده‌ایم این قبیل حوادث "قبیل از آن کدما سی ارمباروات انقلابی خلق ترک بر علیه سیم طغیانی و ملی داسه‌اند، ناسی از نظامها و در کرسیهای طغیان حاکمان است که اکنون بر سر مسئله رهبری میان مدرسمدان مذهبی خود را می‌نمایند و در این سبب بوده و سعی از مردم نا آگاه و ابله‌ست خود مسارد "آری، سوروسوی اری همدستان می‌کنند برای رسدن مدرسان و خواسته‌های سوده‌ها و اسخا ده‌مانند. خلصی سرک همچون دیگر حلقه‌ها، در زمان سلطنت پهلوی سبب سم مضاعف طغیانی و ملی قرار داده‌است و این خلق دلاور در مبارزه سر علیه رژیم رضا خانی و محدود رها می‌بوی سبب انقلاب سر و طغیان را همسه حفظ کرده و همواره جزو پیشرو سرین طغیانی در مبارزه سر علیه امیران لیس و راجع بوده‌ است. خلق ترک که در انقلاب اخیر ایران نقش بمرائی داشته‌است، سس ارتقا مپهمن مساه بدرسی مساهده می‌کنند که از خواسته‌های عادلانه خود سسار سدور است و هیئت حاکمه جدید با حفظ نظام سمرمانه‌داری وابسته، سس بتعموت رساندن فاسون اساسی ارتجاعی حیرکان، حقوق وی را سر همچون دیگر حلقه‌های اسران سربا گذاشته و در درواری رحمکسان قرار گرفته‌است. در جنس سرائی لیبرالهای سلطنت طلب دیور و آیت - الله سر سمداری کدا کسون اس لیبرالها و خاسوسای بطر سمر اعاد و حسی حشکی از سوروزاری وابسته را بر کف حمایت خود گرفته‌ است. سس سبب سسار مسوندتا با سبکه بر مویج ناما - سس بوده‌های ترک از رژیم طغیانی، سس می در قدرت سبدا کنند. ما با جنس و معسستی در مبارزه خلصی های دیگر و خصوص خلق سلوج نیز مواجه هستیم. سعی بدلیل عدم آگاهیه توده‌ها و نبود سارمان - های بر قدرت انقلابی در اینگونه مناطق، ارتجاع و لسرالیای محلی سعی دارند سسار سسائی ونهیدید و تحریک مردم نا آگاه که از رژیم حاضر سارامی هستند سسار رژیم وارد مایله شوند، هم اکنون دیگر بر دی اس حامی سساحه سسده امیران لیس در سلوجسان سرگرم انجام جنس معادلای سساحیها و مولوی‌ها و ارتجاع سلوج و سس سسائی اس و در کرسیهای دوهفه سسل راهان سسار همس نموده‌ها و سسبها به در کبری - های اخیر قم و سسردارده. آنجه در اس میان سس کسده اس سمران واهمنی است که سسروهای انقلابی در اس مناطق سسار سسائی - سسکلای در مان سوده‌ها می‌دهند، سسبها ار اسطر سس و سسج خلق سدور سسائی را سسبب انقلابی است که سسستوانیم خلق را از سسیرال و بر طغیان سسار کم بدرا و سس و آنرا در مسسر سارره ندان سسار لیستی و فدائرتحالی رهبری سساشم. ■

مقیه از صفحه اول

انتخابات ریاست جمهوری ۰۰۰

نمایان ساخته‌است. تضادهائی که البته خود انعکاس رشد جنبش انقلابی در جامعه، ناهمگونی - های بسیار در درون هیئت حاکمه میان جناحهای مختلف آن، بحران عظیم اقتصادی - اجتماعی و در هم ریختگی فزاینده اقتصاد و شکست و یونان سسار سسار به داری وابسته ایران است. این تضادها و درگیریهای "بالا" که در پرتو آن عنا صروجناح معینی از بورژوازی شرکت کننده در هیئت حاکمه هر روز رسوا تر شده و سسبسه کشیشان بپش، زپیش از پرده خیانت سسار انقلاب و خدمت به امیران لیس سسرون می افتد، نمی - توانند سسرفای انتخابات ریاست جمهوری سنگینی نکنند، عنا صروجناحی که در طی اسن ۹ ماهه سسار اصلی قدرت سیاسی را، در سسب خود نفوذ و اعتبار رهبران روحانی، در دست خود متمرکز نموده بودند و رژیم را با سرعت شگفت آوری به سوی وابستگی سسار عیار سسار امیران لیس می - تا زانده و سسهمان سرعت زپیری کس هیئت حاکمه را که بر پایه توهم و اعتماد دما دفا نه توده - های نا آگاه مردم شکل گرفته بود، خالی سسکردند. در واقع رژیم، در شرایطی به این انتخابات دست می زند که مجبور شده است برای نجات کس حاکمیت خود و سسستم موجود به قربانی شدن عناصی از جناح های سوروزاری هیئت حاکمه، سسار بدهد. و در این میان نیز دست سروری عنا صر کسبئی چون امیران نظامها، نریه‌ها و... که تا در روز عتار "باک" و "مومن" دولت موقت سسار زگان، تحسب و سسرمحبوب است الله خمینی بودند، انگست گذاشته است.

دامنه‌اس درگیری‌ها و تضادها تا کنون سسنا سسکسیده شده که "نهضت آزادی"، این حزب سیاسی راست ترین جناحهای سوروزاری لسبرال را نیز در کام خود فرو برده است. و "اسناد" خیانت آنان - خیانتی که در عرصه فعالیت های سیاسی این حزب از ابتدا تا کنون و بخصوص در طی دو ساله گذشته از لابلای مواضع سیاسی آنها مشهود قابل رویت سسده است - بتدریج بر ملا می گردد.

این انتخابات همچنین در شرایطی صورت می گیرد که در تمام مراحل پیشین "تثبیت" رژیم جمهوری اسلامی، (از فراتر اندوم رژیم جمهوری اسلامی تا فراتر اندوم قانون اساسی)، ما شاهد فروریختن تدریجی جواعتماد و اطمینان سسوده‌ها به قدرتمندان کنونی هستیم، کاهش در مد جمعیت شرکت کننده برای دادن رای در هر یک از این مراحل گواه این مدعا است و حتی آمار خود رژیم سسبب خوبی این کاهش را نشان می‌دهد. ۹۸% جمعیت، شرکت کننده در فراتر اندوم جمهوری اسلامی (طبق آمار خود رژیم) به ۱۰% در صد در انتخابات سسوراها، و حدود ۷۳% در فراتر اندوم قانون اساسی می رسد (این آمار خود رژیم است، در صورتیکه واقعیت موجود و یک حساب سسار - انگشتی نشان می دهد که بیش از ۵۰% حائزین شرایط شرکت در انتخابات از شرکت در فراتر اندوم خودداری کردند.)

چنین کاهشی در فواصل کوتاه زمانه‌سی،

سرعت فروریختن توهمات مردم به رژیم - سس شتاب سقوط ارتجاع در سسار شیبانفراد را به خوبی نشان می‌دهد. واکنش در متن چنین شرایطی رژیم در سسار است تا هر چه زودتر این انتخابات را به سسرمسار کند. زمان تعیین شده برای اجرای این انتخابات، یعنی حدود ۱۰ روز برای معرفی کاندیدها (۲۹ آذر ماه تا ۸ دیماه) و ۲۰ روز برای تبلیغات و فعالیت های انتخاباتی (کاندیدها تا ۱۵ دیماه از طرف وزارت کشور معرفی می شوند و پنجم به سسار ما روز انتخابات است) - که حتی در قیاس با مدت زمان این انتخابات در کشورهای امیر - سسالیستی همچون آمریکا، بسیار محدود و نا چیز است - این تلاش برای سسرمبندی کردن انتخابات و هراس و وحشت از کاهش فراتر اندوم "رای دهندگان" را بخوبی نشان می‌دهد. چسرا که حتی در کشور امیرالیستی مثل آمریکا، لاقبل برای حفظ ظاهر فریبنده نظام دموکراسی بورژوازی، و دموکراتیک جلوه دادن انتخابات حدود چند ماه قبل از انتخابات به فعالیت های انتخاباتی و تبلیغات "کاندیدها" اختصاص می‌یابد.

در متن این شرایط، که بطور کلی سسدان سسار کرده‌ایم، تعیین دقیق این که چه کسی از عنا صروا سسببه هیئت حاکمه جناح های رقیب بر مسند ریاست جمهوری تکبیر زند و چه نتایج بر این انتخابات مترتب است، از پیش امکان - بدیر نیست، اما از سساره موجود میتوان سسکاشی را پس سسببی نمود. یکم این که، شور و شوق مردم برای شرکت در این انتخابات با زهمکاهش خواهد یافت و سساحتمال زیاد میزبان جمعیت شرکت کننده در انتخابات در همان حول و حوش رفتار اندوم قانون اساسی خواهد سسود. سسوائی - های اخیر و سسبب در پی عنا صری از هیئت حاکمه که رژیم سسار آنها اعتماد داشته اند سسار کاهش این شور و شوق تا شیرات مشخصی دارد، تردیدی نیست که موضع گیری سسروهای انقلابی و کمونیستی در سسال این انتخابات نیز در اینجا موثر است و می توانند در کاهش یا افزایش این سسزبان تا شیرات محسوسی داشته‌اند، اگر تیروهای انقلابی دموکرات و کمونیستها می توانستند (ویا بتوانند) جبهه وسیعی در سسار برای سسبب انتخابات، برای افشا و طرد آن، سسکاش سسندو دامنه‌ها را آگاه‌ها خود را به منظور سساره کردن رشته‌های اعتماد و دل سسبب سسوده‌ها به انتخاب - بای از این دست، سسسترش دهند، بدون شک می توانستند، در کاهش میزان آراء ریخته شده به صندوق های رای گیری، نقش قابل توجهی داشته‌اند. اما مساسفانه واقعیت چنین نیست. بخش اعظم تیروهای دموکرات، در این معرکه انتخاباتی شرکت سسسته‌اند، تیروهای کمونیستی سسزتا کنون موضع رسمی در این سساره انتخاباتی نگذشته‌اند که میتوان در این مورد قضاوت نمود.

دوم این که: بسیاری از عنا صر روحا نیست

بقیه در صفحه ۱۴

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

حرکت پیروزمندانانه دیگری از کارگران کارخانه عیبی



پیروزی کارکنان صنعت و عقب نشینی مفتضحانه رژیم

تصمیم ضدکارگری ایستادند بخواهی میدانند که تنها برای آنکه هی و هوشبازی و در سایه وحدت و همبستگی خودشان بوده که توانستند علی رغم همه تلاشهای مذبوحانه و عیاشی افکنانه معین - فروانجمنهای اسلامی وابسته به حزب حاکم تن به بخشنامه تحمیلی ندادند و رژیم حاکم را وادار به عقب نشینی کنند .

کارگران مبارز صنعت نفت در جریان این مبارزه پیروزمندانانه خود با زهد دریا فتند که رژیم سرما به داری برای تثبیت واداد محاکمات خویش چاره ای جز تحمیل فشا ریسوربا زهم بیشتر بر طبقه کارگر و تشدید استعمار و آزار وادار و در برابر، طبقه کارگر برای مقابله با دسیسه ها و قوانین ضدکارگری رژیم سرما به داری مهمترین سلاح آگاهی و تشکل است . این مبارزکارگران تنها در سایه آگاهی و اتحاد خود - شان بوده که توانستند با این پیروزی دست یافته و آرا ده خود را بر رژیم سرما به داری تحمیل کرده و برگ دیگری بر تن رژیم سرما به داری وادار کارگران صنعت نفت بیافزایند .

هر چه مستحکم تر با اتحاد و همبستگی کارگران قهرمان صنعت نفت !

(بمنقل از ضمیمه محلی "کمیته خوزستان" شماره ۶)

بعدا از صدور بخشنامه دولت مبنی بر لغو تعطیل پنجشنبه ها، کارکنان صنعت نفت جنوب به شدت در برابر این بخشنامه تحمیلی واکنش نشان دادند و در بسیاری از مناطق نفت خیز کارکنان مبارز صنعت نفت عملا اهمیتی به این بخشنامه ندادند و روزهای پنجشنبه از حضور در سرکار خودداری کردند .

پس از ۴ ماه مقاومت متحدانه کارکنان صنعت نفت در برابر این دستورالعمل تحمیلی و اهمیت ندادن به اطلاعیه ها و بخشنامه های رنگ و وارنگ و گاه تهدیدآمیز وزیر نفت (معین فر) ، سرانجام این کارگران رژیم پیمیشین و عضوشورای انقلاب اسلامی ، بیونا نه در مقابل اتحاد و یکپارچگی کارکنان صنعت نفت ناچار به عقب نشینی شد و تعطیل مجدد پنجشنبه ها را برای کارکنان صنعت نفت به استثناء ادارات مرکزی به رسمیت شناخت .

این عامل مزدور رژیم سرما به داری، در حالیکه تحت فشار مبارزه کارکنان صنعت نفت ناچار به عقب نشینی مفتضحانه شده است می خواهد چنین وانمود کند که گویا به رسمیت شناختن مجدد تعطیل پنجشنبه ها در شرکت های وی و الطاف شورای انقلاب بوده است ! اما کارکنان مبارز صنعت نفت که ممتدا نه در مقابل این

در بیگار شماره ۳۶ گفتیم که کارگران اخراجی کارخانه عیبی در سایه همبستگی خود توانستند نه تنها خود سرکار برگردند بلکه کارمندان را نیز که بسبب حمایت از آنها اخراج شده بودند، بسرکار برگردانند، در زمر گزارس ادا به مبارزات آنها را ملاحظه میکنید : کارگران نیکه پس از اخراج به کارخانه سرگشته بودند از روحیه خوسی برخوردار و اسادازه ای بقدر خودشان بی برده بودند . کارگران دیگر زیر بار حرفهای زور سرپرستها نمی رفتند و در مواردی رودر روی آنها می ایستادند . در مقابل ، آنها از نمایندگان خود حرف شنوی داشتند و به آنها احترام میگذاشتند . از طرف دیگر چند لومین وابسته به کارفرما سعی از کارگران سا آگاه را علیه نمایندگان تحریک مینمودند و با اجمن اسلامی فرمایشی (از طرف کارفرما) که موسسین آن از سرپرستهای بودند که کارگران از آنها دل خوشی نداشتند اوضاع را متشنج میکردند .

در چنین شرایطی نماینده ها با همکاران خود کارگران دیگری برای تشکیل شورا (۱) اسانما به ای سهم میکنند که مطابق آن شورا دارای دو کمسنه مورصعی و او مور فرهنگی بود . (نما بنده ها معتقد بودند برای آنکه شورا بتواند قدر اجرائی داشته و با بگیرد ، با بند را بندها جدا قل و وظیفه شروع کرد و سر از آنکه جا نصاد و محکم شد ، آنگاه خواست مطار بر بولبند و مدیریت را مطرح کرد) ۱۰ اسانما به مذکورین ار عرصه کارگران با کمی تغییر مورد موافقت همه آنها قرار گرفت .

در این مسان کارفرما با ملاحظه اراد می کرد و آرا غیر قانونی میداد ، بستهای متعدد نمایندگان کارگران اسانما سده کارفرما بجای نرسید ، در ضمن وقتی نماینده شورای انقلاب به کارخانه می آمد علام میکنند که سانه تصمیم شورای انقلاب ، تا تصویب اسانما به برای شورا ها نباید هیچ شورائی تشکیل شود ! اظهارات نماینده شورای انقلاب با مخالفت کارگران روپرو میسود از این جهت وی میگوید : "چون شما روی مسائل رفاهی تا کم میکنند ما به کارفرما اطلاع نمیکیم که به خواستهای ما در مورد سرویس ، افزایش حق مسکن وادان حقوق اخراج ... رسیدگی کند ." در ای موقع طلب تحریکات و وسعاسهای عوامل کارفرما (آنها ضلع میکردند که نماینده ها کمونیس هسد) و نا آگاهی و سوهم بعضی از کارگران بی ضفوف نرسده آنها حدی تکاف میافتد ، بطوریکه فشاری روی خواست شورا و رودر روی نماینده شورای انقلاب قرار

گرفت . (۱) - در این گزارش و ما گزارشهای دیگر ، هر جا شورا نام برده میشود ، منظور شورا های لنینی نیست .

راهپیمایی ضد امپریالیستی کارگران سندیکای پروژهای آبادان و حومه

سپس راهپیمایی که عده آنها در حدود ۴ هزار نفر بود در صفوف فشرده با شعار "اتحاد ، اتحاد ، زحمتکشان اتحاد" از مسیر کوی بازرگان و کوی کارگریست مرکز شهر حرکت کردند . کارگران زحمتکش شعار می دادند :

- ۱ - قرار داد دظلمی ، بسمان اقتصاد با آمریکا ی خونخوار وطنی ما بگذرد .
- ۲ - اموال آمریکائی ، بشفح زحمتکشان ملی باید گردد .
- ۳ - کارگز زحمتکش ، دشمن امپریالیسم ، سرما به داری مزدور نوکرا میرا لسم .
- ۴ - بیمه سیکاری حق مسلم ما است ، کار ، کار ، حق مسلم ما است .
- ۵ - هفتاد هزار رگشته ، صدها هزار زخمی ، هرگز میاد سازش ، هرگز ما سازش تسلیم .

راهپیمایی ضد امپریالیستی کارگران ۵۵۰ کارگران زحمتکش پروژهای آبادان و حومه که همچون سایر کارگران بیگار روپروژه های سران کشور پس از ده ماه از سقدرت رسیدن میوه - چینان انقلاب هنوز با هیولای بیگاری و لاجرم فقر و فلاکت دست بگریباندند و از آنجا که این بیگاری خودنمایی از سیستم سرما به داری وابسته به امپریالیسم است و حاکمیت امپریالیسم خونخوار آمریکا از عوامل اصلی این سلاخی خانمانسوز است ، روز جمعه ۳۰ آذر بدعوت سندیکای پروژهای آبادان و حومه یک راهپیمایی ضد امپریالیستی برگزار گردید . این راهپیمایی ساعت ۹ صبح از مقابل سندیکا آغاز شد ، قبل از حرکت راهپیمایان به احترام سالگرد شهادت کارگران کارگاه مرکزی بالایشگاه آبادان یک دقیقه سکوت اعلام شد .

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

حرفهای زحمتکشان از ثرویات زحمتکشان



شماره ۸ "پیکان" نشریه "عده‌ای از کارگران ایران ناسیونال"، در تاریخ اول دیماه منتشر شده است. در این شماره مطالبی درباره سندیکا، فرمایشی ایران ناسیونال، مقررات جدید سودویژه، جاسوسی امیرانتظام، ونیز چند خبر کارگری درج گردیده و آنچه در زیر می‌خوانید، قسمتی است از مقالاتی تحت عنوان:

بالاخره حرف نیروهای انقلابی در مورد امیرانتظام درست درآمد

طبقه سرمایه‌دار در جوامعی نظیر ایران نمی‌تواند بدون وابستگی به امپریالیسم رشد کند. بر این اساس بود که نیروهای مبارز ما هیت دولت موقت را افشاء کرده و چهره‌های شناخته‌وشناخته آنها را معرفی میکردند و در مقابل آقای بازرگان نیروهای مبارز را اخلاک‌ورودنا انقلاب معرفی میکردند و تا کشته‌شدند که آنها دولت موقت را کشته‌شدند. حال آقای بازرگان (نخست‌وزیر سابق دولت موقت و عضوعلی‌سورای انقلاب) می‌پرسم: آیا شما آقای امیرانتظام را به معنای نخست‌وزیر و بیروشن گوی هیت دولت موقت نگزیدید؟ آیا شما با رها تا کید نکردید که ایشان مورد اعتماد کامل من هستند؟ آیا شما نظرات آمریکا، آقای امیرانتظام را تا شید نمی‌کردید؟ آیا سیاست شما با نظرات آقای امیرانتظام آمریکا، هماهنگ نبود؟ و همچنین با توجه به کارهای دولت بعد از زقیما بیستم ماه، از کارگران مبارز می‌پرسم آیا سرمایه‌داران میتوانند انقلاب را به آخبر برسانند؟ آیا هیئت دولتی که سخنگوی آمریکا می‌باشد می‌تواند ضد امپریالیست باشد؟

که: چیزهایی که شما گفته اید وقت ربا دی می‌گیرید و چندسال طول می‌کشد. ما بکبار آمده ایم کنفدراسیون کارگران ایران را بوجود آورده ایم بعداً می‌توانیم سندیکا و اتحادیه بوجود آوریم (!!) ...

یکی دیگر از کارگران ایران پرسید: چه کسانی کنفدراسیون را برسمیت شناخته اند و به آن اجازه کار داده اند. نماینده کنفدراسیون جواب داد: کنفدراسیون توسط وزارت کار برسمیت شناخته شده است. باید در جواب این هوادار سرمایه‌داری گفت مگر اداره کار بعد از قیام تغییر کرده است؟ آیا رژیم وابسته شاه اداره کار را برای چه بوجود آورده بود؟ مگر همین اداره کار نبود که قوانین ضد کارگری را تصویب می‌کرد؟ حالا همین اداره کار است که شما را مورد تشکیل کنفدراسیون ضد کارگری کرده است. نماینده کنفدراسیون در صحبت‌های خود گفت ما در چهار چوب جمهوری اسلامی کار میکنیم و چون موقعیت انقلابی است نباید دست به اعتصاب، تحصن و غیره زد. (!!) ...

کارگران مبارز! هوشیار باشید. همیشه نوکران امپریالیسم و سرمایه‌داران نابوجود آوردن سازمانهای بظا هر کارگری سعی میکنند مبارزات ما را به اجزای بکنند.

امپریالیسم آمریکا دشمن شماره ۱ زحمتکشان ایران

هیئت حاکمه راستی می‌گوید و ضد امپریالیست است که ما می‌گوئیم نیست با بدشما م وابستگی. ما را قطع کند ولی هیئت! کجا سرمایه داران میتوانند ضد امپریالیست باشند؟ کجا دولتی که در طی این ۹ ماه به سرکوب خلق گرد مشغول بود و ما را فریب میداد که با فدا انقلاب و ما و کسی می‌تواند میتواند ضد امپریالیست باشد؟! دولتی که کارگران مبارزان به زندان می‌افکند (نمونه خرمدره، نخ زرین و...) دولتی که قرار داد ۲/۵۵ میلیار دلاری برای لوازمی که سلاحها آمریکا می‌بندد، دولتی که ما سرمایه‌دارانی چون حاجی علی است میتوانند ضد امپریالیست باشند؟! نه، هیچوقت چا خودسته خودش را نمی‌برد. تنها دولتی واقعاً ضد امپریالیست و تا آخر ضد امپریالیست است که دولت کارگران و زحمتکشان با شد زیرا ما کارگران و زحمتکشان از آنجایی که در مبارزه با امپریالیسم چیزی را نداریم که از دست بدهیم مگر زنجیرهایی که سرمایه‌داران بدست و پای ما بسته اند، تا آخر علیه آنهاست و استعمار مبارزه می‌کنیم. (در شماره آینده راجع به اینکه امپریالیسم یعنی چه خواهد نوشت.)

مرگ بر سرمایه‌داری وابسته!
تا بود با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

"وحدت کارگری" نشریه کارگران مبارز "مینو" است که در دومین شماره آن مطالب متنوعی بچشمی خورد. سرقتا لهان درباره امپریالیسم آمریکا است. و در رابطه با مبارزات خلق کرد و چگونگی برخورد رژیم حاکم، رفتارندوم قانون اساسی و زحمتکشان ایران، سودویژه و برخورد شورای انقلاب به آن، مسئله زن... نیسیز مقالاتی دارد. ما سرقتا لهان را برای معرفی این نشریه انتخاب کردیم.

این روزها ما کارگران و زحمتکشان نفتی را که از خیلی پیش ها در لهان یما ن از غارتگری های بی حد و حجاب امپریالیستهای مخصوص کثیف ترین آنها امپریالیسم آمریکا انباشته شده است در کارخانه ها در خیا با نهادهای در هم جاسا با فریاد، با مشت گره کرده نشان می‌دهیم، ما درک می‌کنیم که وجود امپریالیسم در ایران یعنی وجود همان سرمایه‌داران وابسته و دلال یعنی امثال خیامی‌ها، لاجوردی‌ها و... و خسرو شاهی‌ها. ما خواهان میهنی مستقل و آزاد هستیم. بدین ترتیب نه تنها خواهان برگرداندن شاه خائن جنایتکار ربا تمام مشروشی به ایران و مصدا دره موال او و محاکمه او عدا موی در پیشگاه خلق زحمتکشان ایران هستیم، بلکه اینرا کافی نمی‌دانیم و خواهان نابودی روابط سرمایه‌داری وابسته هستیم. اگر این

ماهیت ضد کارگری کنفدراسیون کارگران را بشناسیم

ما کنفدراسیون کارگران ایران را تشکیل داده ایم و کارگران بسیارند و آن نام نویسی کنند و عضو کنفدراسیون شوند.

اصولاً کنفدراسیون با بدچگونه تشکیل شود؟ کارگران با بد اول سندیکا تشکیل دهند و سپس از اتحادیه سندیکا ها، اتحادیه کارگری بوجود آید. و بالاخره اتحادیه‌های کارگری با هم متحد شوند و کنفدراسیون کارگران را ایجاد کنند ...

در جلسه‌ای که مسئولان به اصطلاح کشفد را سیون تشکیل دادند، کارگران سولاتی کردند که ملا ماهیت کنفدراسیون چی‌ها را روشن کرد و آنها را رسوا نمود:

یکی از کارگران پرسید چگونه زمانی که هنوز سندیکا‌های کارگری ایجاد نشده، شما برای خودتان وبدون اطلاع کارگران دست به ایجاد کنفدراسیون کارگری زده اید ...؟ شما بنده این کنفدراسیون ضد کارگری جواب داد

نخستین شماره "پیک پوش"، نشریه گروهی از کارگران کارخانه پوش به تاریخ ۵۸/۱۰/۶ انتشار یافته است. در این شماره مطالبی درباره "نمایش" استثناء و قاعده "در کارخانه پوش، کنفدراسیون کارگران، معرفی کتاب "جامعه سرمایه‌داری را بشناسیم"، مبارزه کارگران بیکار رگیلان و چند خبر کارگری درج شده است. ما قسمتی از یک مقاله را در زیر نقل می‌کنیم:

کارگران مبارز!
همگی می‌دانیم که رژیم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم شاه برای اینکه نتواند جلوی مبارزات ما را بگیرد، از دزد و زورگله‌های زیادی استفاده می‌کند. از جمله کارهای آن موقع در دست کردن سندیکاها و اتحادیه‌های فرمایشی (با واک زده) بود ...

و حالا هم یکباره می‌بینیم یک عده به کارخانه‌ها می‌روند و به کارگران می‌گویند که

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

گرفتن در آن شرایط، خطر راه یافتن عوامل کافرما در شورا (در صورت تشکیل) و ایجاد دیک شورای فرمایشی را به همراه داشت. از این رو نما ینده ها ۱۱ خواست رفتاری مطرح میکنند و برای انجام آن ۱۵ روزه کار فرما مهلت میدهند در فاصله این ۱۵ روز عوامل کار فرما به توطئه های مختلفی دست میزنند تا کارگران را دودسته کرده و آنها را رودر روی هم قرار دهند اما از آنجا که کارگران در خلال مبارزاتشان نمانده ها را همواره کنار خود دیده بودند و نفع خود را در پیوستن به آنها میدیدند و ما هیت تحریک کنندگان تا حدی روشن شده بود با وجودیکه نما یندگان را کمونیست مینامیدند ومدتی به آنها بدبین شده بودند، دوباره به آنها اعتماد کرده و از ۱۱ خواست پیشنهادی آنها پشتیبانی نمودند. در روزهای پایانی مهلت بعلت کار توضیحی نما یندگان، کارگران مصمم بودند که اگر خواستهایشان پس از انقضای مهلت برآورده نشود دست به اعتصاب بزنند.

از سوی دیگر کار فرما کما ضرب قبضه و انجام هیچیک از خواستهای کارگران نپسود وقتی تیرهای توطئه های از هر طرف بسنگ میخورند و تصمیم قاطع کارگران را می بینند میگویند بر آوردن خواستهای نا چیزی مانند سرویس، صبحانه و... کارگران را راضی کرده و ازدادن بقیه خواستها (مثل افزایش حق مسکن، دادن حق اخراج به کارگران... و با زگرداندن دفاتر مالی شرکت که بیرون برده شده بود (۲)) نماند.

کار فرما در آخرین روزها قیامانده از مهلت تعیین شده، چند نفر را برای مذاکره پیش نما یندگان میفرستد پس از مذاکره نما یندگان عیبیدی قول میدهند که تمام خواستهای (۲) عیبیدی دفاتر اصلی را بمنظور دزدی از سود ویژه و عدم پرداخت مالیات بیرون برده و دفاتر تجلی را به کارخانه آورده بود، برگشت دفاتر مالی یکی از خواستهای کارگران بود.

کارگران را آنجا مدهند، نما یندگان در همان روز طی نشستی با حضور همه کارگران، نتیجه مذاکرات را به اطلاع آنها میرسانند.

کارگران از نما یندگان خود میخواهند که برای بازگرداندن دفاتر و روز دیگر به عیبیدی مهلت داده شود.

پس از گذشت این مدت نه تنها دفاتر به کارخانه بازگردانده نمیشود، بلکه چندین مورد از ۱۱ ماده مورد توافق نما یندگان کارگران و نما یندگان عیبیدی هم نقض میگردد.

سرا نجا مبدنبا ل کار توضیحی نما یندگان اکثر کارگران دست به اعتصاب میزنند، حتی کارگران قدیمی که در دفعات قبل در اعتصابات شرکت نمیکردند، این بار پس از مشاهده قدرت عمل جمع و پیروزیهای بدست آمده به اعتصاب بیون می پیوندند، اما اعتصاب بقدری گسترش مییابد که کارگران مرتجع و فاندانز نیز (که در ابتدا تبلیغ میکردند اعتصاب عملی ضد انقلابی است) تحت فشار دیگر کارگران مجبور میشوند با بقیه هما هنگی کنند. پس از گذشت یکروز از اعتصاب، کارگران قدیم، زمزمه های سازش را شروع میکنند. از این روبرای آنکه اتحاد و یکپارچگی کارگران ادامه یابد، نما یندگان طی نشستی با کارگران تصمیم میگیرند روزها کار کنند و شبها متحصن شوند. این تصمیم با وجود مخالفت عده ای از کارگران که خواستار ادامه اعتصاب بودند، با موافقت اکثریت به اجرا در می آید. پس از دو مین شب تحصن عیبیدی ناگزیر قبول میکنند که دفاتر را به کارخانه بازگردانند. در ضمن نما ینده دادستانها به کارخانه آمده و خواستار اجرای ۱۱ ماده میشود. بدین ترتیب تحصن کارگران در حالیکه از وحدت و انسجام خوبی برخوردار بودند با موفقیت پایا ن بگیرد و کارگران کارخانه عیبیدی در سهای اتحاد دو همبستگی خود را می دیگر بجلو بر میدارند.

مستحکمتر با اتحاد و یکپارچگی کارگران کارخانه دکتتر عیبیدی

کارگران این ستون مبارزات ضد امپریالیستی را سدی کنید. رژیم "انقلابی" شما حتی قسادر نیست که جلوی آن مقامی را که در مسئولیت و مقامهای بالا نقش مهمی دارد، ولسی از سرما بدهد رجاتا بتکاری چون میرا شرافی حمایت می کند، بگیرد. در حالیکه بوق و کرنای ضد امپریالیست بودن شما را گوش فلک را کر کرده است. کارگران متحصن خواستار آمدن نما ینده وزیر کار و یاسخگوئی به خواستهایشان بودند. بعد از ظهر دوشنبه سوم دیماه ۲ نفر کارگر از سیما ن آبیگ به فرما نداری آمده و میگویند از طرف کارخانه می خواهند ۷ کارگر بیما نکا را اخراج کنند. صبح سه شنبه ۹ کارگر متحصن به سیما ن آبیگ می روند. ساعت ۱۲ دو نفر از آنها برگشته و می گویند که هفت رفیق کارگر را کمیته سیما ن آبیگ با زداشت کرده است. در همین روزها ستاندار زجان به اتفاق نما ینده وزیر کار روچند نفر دیگر بیما ن کارگران متحصن میروند. ابتدا استادان را سخنرانی کرده و سپس کارگران مشکلات خود را مطرح می نمایند.

استاندار ضمن سخنانش می گوید: "بودجه ای برای استان ما در نظر گرفته شده و از این هفته می خواهم طرحهایی را به اجرا در آوریم. در نظر گرفته ایم کمیسیونی با شرکت فرما ندار، یک نما ینده از شورای انقلاب، دوشما ینده از کانون شورا های شهرستانی و... تشکیل شود. تمام کارخانه ها و طرحهای اجرایی با یدا از این کمیسیون کارگر استفاده میکنند."

کارگران می گویند ما بطور موقت نما ینده های خود را در این کمیسیون می فرستیم ولسی تا آزادی رفقای زندانیمان به تحصن ادامه می دهیم. حدود ساعت ۹ شب، هفت کارگر مبارز از گذشته و به فرما نداری می آیند. کارگران وقتی می بینند که اتحاد دو همبستگی شان موجب آزادی رفقای شان شده، بسیار خوشحال شده و آنها را غرق بوسه میکنند.

کارگران آزاد شده می گفتند: کمیته چی - ما نندسا واک ازمایا بزبری می کردند و حتی به یکی از ما پیشنهادش دشت هزا ر تومان پول میدادند (که با جواب دندنا شکر روبرو شدند).

کمیته چی ها گفته بودند که اگر شما به خواست ما ییتا ن برسید، فردا همه کارگران آبیگ و... متحصن می شوند.

یکی از کارگران می گفت: ما میدانستیم که پشت سرمان قدرت بزرگی چون قدرت همبستگی کارگران بیباک روچودا رد

"نماین کارگران بیکار قزوین" و تحریکات حزب جمهوری اسلامی

کارگران بیکار قزوین بدینال تظاهرات پرشکوهی در روز سه شنبه ۲۷ آذرماه، روز چهارشنبه ۲۸ آذرماه در فرما نداری این شهر متحصن شدند.

حزب جمهوری اسلامی و نیز دادستان انقلاب اسلامی قزوین طی اعلامیه های تحریک آمیزی کارگران متحصن را ضد انقلاب نامیده و به آنها اخطار کرد که اگر فرما نداری را ترک نکنند به وسیله نیروهای ضربتی سپاه سداران آنها را بیرون خواهند انداخت. پس از انتشار اعلامیه تحریک آمیز حزب جمهوری اسلامی، عده ای از کارگران بیکار طی اعلامیه ای با عنوان "اعلام جنگ حزب جمهوری اسلامی به کارگران بیکار را" سپاه سدها رگری، تحریف واقعات

و... این حزب را افشاء کردند. در قسمتی از اعلامیه مذکور می خوانیم:

"... حزب جمهوری اسلامی می گوید: مبارزه طبقات (مبارزه کارگران با سرمایه داران) انحراف از مبارزه ضد امپریالیستی است. کارگران می گویند: مگر امپریالیسم از سما ن نازل شده؟ امپریالیسم توسط با یکا ههای اقتصاد دیش یعنی همین سرمایه داران وابسته و غارتگر در کشور ما نفوذ پیدا میکنند. بنا بر این مبارزه با امپریالیسم تنها وقتی میتواند از صورت حرف و عوامفریبی در آید که با این عاملین امپریالیسم یعنی سرمایه داران مبارزه شود. ولی شما در عمل بجای مبارزه با امپریالیسم، بصورت حانیمان آن در آمده، جلوی مبارزات

از نشرات جدید سازمان



پاره دیواره
چینش دانشجویی
وستان
"دانشجویان مبارز"

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

قطع مذاکرات صلح در کردستان و توطئه‌های جدید هیئت حاکمه



هیئت ویژه دولت در مذاکرات کردستان که پس از مدتی هایپوی تسلیفاتی در را دیو و تلویزیون و روزنامه‌ها در مورد صلح دوستی دولت و شورای انقلاب اعلام کرده‌اند، خبلی زودچهره واقعی خود را نشان داد. این هیئت در همان نخستین جلسات رسمی مذاکرات در تاریخ ۲۱ آذر ۵۸ به پیشنهاد ریوش فروهر مذاکرات را قطع کرد و بعد دروغ قطع مذاکرات را به پای هیئت نمایندگان خلق کرد گذاشت، (مراجعه شود به سخنان دروغین مهندس سحابی و پاسخ هیئت نمایندگان خلق کرد به وی با مدام ۲۸ آذر).

علت قطع مذاکرات را با بیستی دردهای که این هیئت "حسن نیت" دنبال می‌کنند جستجو کرد. این هیئت از همان آغاز کوشش کرده است:

اولاً ترکیب هیئت نمایندگان خلق کرد را زیر سؤال برد. هدف آنها از این کار اینست که نمایندگان نیروهای انقلابی و مترقی در این ترکیب حضور داشته باشند تا بتوانند جناح بورژوازی و سازشکاران هیئت یعنی حزب دمکرات کنار آیند. بنظر مهندس سحابی و عزت‌الله سحابی (که هر دو از سران نهضت آزادی معلوم الحال هستند) در این مورد توجه کنید: "آنها نسبت به این مذاکرات خوش بین نیستند و رسیدن به یک تفاهم کامل را موکول به این میدانستند که نمایندگان مردم کردستان از با فشاری برای عضویت بعضی گروهها در هیئت دست بکشند و امرای نورزند در این صورت است که میتوان به جرم مذاکرات خوش بین بود". (با مدام ۲۱ آذر ماه) و با در روزنامه‌ها مدام ۲۱ آذر ماه میخوانیم که: "سحابی با به ترکیب هیئت نمایندگان خلق کرد اعتراض کرده است". و برعکس این هیئت اینجا و آنجا از حزب دمکرات تعریف و تمجید میکند: "ریوش فروهر در ۲۱ آذر ماه گفت: "خوشبختانه شخصیت‌های مذهبی و رهبران حزب دمکرات خواستار جلوگیری از هر گونه درگیری جدید و فصل مسائل از طریق گفتگو هستند..." (بدین ترتیب می بینیم که فروهر این یا در برینه بختیار چگونه میخواند تلویحاً نیروهای انقلابی را مقصر جلوه دهد.)

ثانیاً هدف دیگر این هیئت ویژه دولت که سیاست هیئت حاکمه را در کردستان دنبال می‌کنند، عوام فریبی توده‌ها از طریق مسافرت به نواحی مختلف و ایراد سخنانی و نماندگی تراشی است. آنها به این بها نه که با مردم طرف هستند نه با نیروهای سیاسی (مترقی و انقلابی) تلاش میکنند که تا بجای مفتی زاده‌ها که پیش خلق کرد رسوا شده اند و به خارج گریخته اند

بقیه در صفحه ۱۳

توطئه هیئت حاکمه برای تجدید جنگ در کردستان

اخبار کشتار سنج:

سنجد شروع به تیراندازی هوایی میکنند. شهرکات فوق العاده گرفته و مردم شروع به سنگربندی میکنند. در اوائل شب پاسداران دوباره تیراندازی را شروع کرده و عابری را هدف گلوله‌ترا می دهند. در این تیراندازی سنفرازا عابری درجا شهید شده و نفرین مجروح می شوند که در بیمارستان یکی دیگر از مجروحین سز شهید می‌شود.

چهارشنبه ۱۰/۱۲ - هنگام صبح مردم اجتماع کرده و بدنبال چاره‌جویی بر می‌آیند. نیروهای سیاسی درگیر راه‌حل‌های مختلف بوده اند که مردم به استکا را با این تصمیم به تحمیل در استان‌داری می‌گیرند و در آن محل متحصن می‌شوند و همه نیروها را دعوت به تحمیل می‌کنند. متحصنین عده‌ای از اصناف مختلف را بعنوان نماینده جهت مذاکره با استاندار و فرمانده یا دگان و رئیس شهر را برای انتخاب می‌کنند و متذکر می‌شوند که این نمایندگان فقط برای مذاکره در مورد خروج پاسداران انتخاب شده‌اند. از ه نفر نماینده یک نفر نماینده بازاریان، یک نفر معلم، یک نفر قاضی یک نفر دانشجو و یک نفر نماینده ایکاگران بیکار بودند. در مذاکراتی که با استاندار و رئیس شهر را برای انجام گرفت توافقنامه ۷ ماده‌ای (۲) به تصویب رسید که برای پیشنها دهه دولت در اختیار استان‌داری قرار گرفت. استان‌داری در مذاکره با تهران پیشنهاد داد که تجدید آرا را کرده به طوری که موارد هفتگانه بطور دلخواه توسط رژیم تغییر داده شده مثلاً بجای شهر را نی موجود فقط از شهر را نی نام برده شده است و همچنین ارتش را محق به دخالت در امور شهر و حفاظت فرودگاه‌ها دانسته است. مردم قاطعانه با پیشنهاد دولت مخالفت کرده و اعلام میکنند تا خروج بی قید و شرط پاسداران همچنان به تحمیل ادامه می‌دهند.

پنجشنبه ۱۰/۱۲ - تحمیل ادامه دارد. از روز قبل تمامی مدارس، ادارات و موسسات شهر تعطیل شده و همه مردم شهر همبستگی خود را با متحصنین تا خروج کامل پاسداران اعلام کرده‌اند. نماینده‌ای از طرف هیئت دولت به سنج آمده تا با نمایندگان متحصنین مذاکره کند. امروز در شهر شایع است که ارتش از کرمانشاه به سمت سنج آمده و در ۹ کیلومتری کامیاران بقیه در صفحه ۹

(۲) - زیر نویس در صفحه ۱۳

شروع درگیری: شنبه ۵۸/۱۰/۸ - امروز دو نفر را سدا را ن ارتجاع، سه میم بنزیمن خارج شهر جهت سوخت‌گیری مراجعه میکنند. در حین سوختگیری پیشمرگان حرد دمکرات سر رسیده و آنها را خلع سلاح میکنند. کسی از پاسداران دستگیر و دیگری موفق به فرار می‌شود. بدنبال این ماجرا پاسداران مستقر در رادبولویزیون سنج به محل آمده و در خیابان ورودی شهر موضع‌گیری و شروع به تیراندازی میکنند. بین پیشمرگان و پاسداران درگیری شروع می‌شود. سپس پاسداران از فرماندهی‌ها گذران سنج - لشکر ۲۸ کردستان - تقاضای میانجیگری می‌کنند و بین طرفین ۴۸ ساعت آتش‌سوزی اعلام می‌شود. در این زدو خورد آتش را دیو - تلویزیون آسیب دیده و برنا مه‌های آن قطع میگردد. در مقابل آتش‌سوزی، خروج پاسداران از شهر در طرف ۴۸ ساعت قید شده بود. اما پاسداران بعد از مدت مقرر خارج شهر ترک می‌شوند. نیروهای سیاسی شهر به منظور جلوگیری از درگیری ۲۴ ساعت دیگر آتش‌سوزی را تمدید میکنند. سه‌شنبه ۱۰/۱۱ - امروز مهلت ۲۴ ساعت آتش‌سوزی مجدداً دوباره تمام بوده که ساعت ۲ بعد از ظهر اعلامیه‌ها منتشر کرد آتش‌سوزی به حتماً است. پاسداران در را دیو قرار گرفته و نیز یک فانوم بعد از ۲ ساعت در آسمان شهر دست به ما نورد زده است. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر هنگامیکه پیش از ۳ ساعت به پاسداران آتش‌سوزی تمام شده بود یک جیب متعلق به پاسداران در حین عبور از خیابان یکی از پیشمرگان سپاه زرگاری (۱) را هدف گلوله قرار میدهد. پیشمرگان نیز بلا شلیک مجدد گلوله‌ها را سدا رمز بورا زخمی می‌کنند. او ماشین را چپ کرده و موفق به فرار به مرکز سپاه پاسداران میشود. بدنبال آسمان جریان پاسداران مستقر در با شگاه آسمان

(۱) - در مورد "سپاه زرگاری" که در درگیری‌های اولیه نیز نقش داشته اند با دیدا دآوری کرد که اس سپاه طرفداران شیخ عثمان رهبر فرقه نقشبندی است که از مراجع مرتجع بوده و طرفدار ووا بسته در رژیم بعث عراق است و از نظر نظامی و سیاسی کاملاً از رژیم عراق تغذیه میشود. رهبری این سپاه در دست دکتر مارح پسر شیخ عثمان (که گفته میشود مستقیماً وابسته به ساواک بود) و شیخ جمال می‌باشد.

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

جنبش دهقانی



یک نکته کوچک!

در سخنرانی آیت الله خامنه‌ای

آیت الله خامنه‌ای رئیس سپاه پاسداران و معاون وزارت دفاع در روزیکشنبه ۵۸/۱۰/۴، درباریکا هیکم شکاری دربارها "محسنا ارتش" لزوم وجود طاعت کورکورانه، "لزوم سرکوب خلق کرد توسط ارتش" و... سخنرانی مسوولی ایراد کرد. مالزوم برخوردارهک تک وارد این سخنرانی را نمی بینیم، زیرا که بارها در ساره - های پیکا نظرات و عملکردهای هیئت حاکمه را در بارها ارتش افشا کرده و نقش خدمردمی این دستگاه را شرح داده ایم. لیکن یک نکته در سخنرانی آیت الله خامنه‌ای بچشم میخورد که قابل توجه است. در این سخنرانی ایشان البته "انتقاداتی" را هم به گذشته ارتش وارد میداند. از نظر ایشان این انتقادات! در شرکت ارتش در جنگ کاتال شویز بر علیه عبدالناصر، همکاری در شوطه خونین علیه خلق فلسطین در سیپتا میر سیاه (کشتار در اردن) و کشتار ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور خلاصه میشود. ولی گویا آیت الله خامنه‌ای یک نکته کوچک را در بارها "انتقاد" اش "بها ارتش فرا موس کرده است یعنی شرکت وسیع و همه جانبه این ارگان در خلقی در سرکوب خونین و وحشیانه خلق عمان. ولی نا توجه به سابقه هیئت حاکمه ایران با یستی این نکته را تذکر داد که اینا نه به عمد این حرکت ضد خلقی را مسکوت میگذا رند و کلامی در بارها آن بزبان نمی آورند. تا کنون کدام "دادگاه انقلاب اسلامی" بوده است که حتی یکی از فرماندهان ارتش شاها را بدلیل مشارکت در سرکوب خلقی ستمدیده عمان (ظفار) بپای مسز محاکمه بکشد؟ بعکس، اینان همان فرماندهان ضد خلقی را هم به یستی آبان در ارسا ندهاند زیرا که هیئت حاکمه کنونی خود یکی از وجوه مشترکش را با هیئت حاکمه سابق در همین سرکوب ارتش در ظفار میداند و دلیل نبوده که مدنی مزدور از لزوم سرکوب مجدد این خلق دلاور توسط ارتش ایران سخن میگفت. بد نیست اشاره کنیم که منابع موثق تا کید میکنند که همزمان با لشکرکشی شاه به ظفار، عدهای از مبارزان ایرانی که در آن روزها در عراق مقیم بودند به منزل آیت الله خمینی در نجف مراجعه میکنند و خواستار میشوند که آقای خمینی این اقدام رژیم را طی اعلامیه‌ای محکوم نماید. فرزند بزرگ آقای خمینی، یعنی مرحوم سید مصطفی خمینی یگروز بعد جواب میداد: "ما که نمیتوانیم همه اقدامات رژیم را محکوم کنیم، بالاخره آنها کمونیست هستند!"

آیا همین سیاست نیست که در ایران پس از شاه، در دپها ده میشود؟! و این سیاست در خدمت کیست!؟



گزارشی از مبارزات دهقان روستای "کجلده" از توابع آمل

تصمیم به حفر چاه بر روی زمین نمودن آت را به زیرکشت در آورد ولی با مقاومت شجاعانه دهقانان روستای روبرو گردید و در این کار توفیق نیافت.

پس از قیام خونین بهمن ماه، دهقانان این روستا شکاری بر علیه "اسکندری" بدادگاه انقلاب تسلیم نمودند، اما چون عملا دیدند که مقامات به خواستهای آنها پاسخ مثبت نمی دهند، پس از گذاشتن جلسات متعدد و بحث پیرامون مسئله زمین، سرانجام در شهریور ۱۳۵۸، ۱۵ هکتار زمین را به نسبت مساوی بین خود تقسیم نمودند. "اسکندری" نیز بیکار نشسته به شایعه پراکنی در مورد حمله چاقو کاران به دهقانان پرداخت. بعد از گذشت مدتی، با اوچگیری مبارزات دهقانی سایر روستاهای منطقه (از جمله میرآباد)، اهالی روستای "کجلده" نیز در تاریخ ۵۸/۹/۱۴ زمین های مصادره شده را شخم زده و به کشت گندم اختصاص داده اند.

تا کنون تحریکات، دسائش و اعمال فشار پاسداران، مقامات ادارات و رزوی و... نتوانسته است در ارسا دهقانان را این روستا خللی وارد سازد.

روستای "کجلده" حدود ۴۵ خانوار (تقریباً ۳۰۰ نفر) جمعیت دارد که ۳۰ خانوار آن بی زمین ۱۴ خانوار کم زمین می باشند. تنها یک خانوار دارای حدود ۵ هکتار زمین آبی و ۲ هکتار زمین دیمی بوده و جز دهقانان سرافه محسوب می شود. مقدار زمین آبی این روستا که بهنگام املاجات ارضی کذا فی شاهانه به کشا ورزان تعلق گرفت، حدود ۲۲ هکتار است. مالک این روستا شخصی بنام "حسین اسکندری" می باشد که در رژیم شاه خان سرپرستی بانک کشا ورزی ما زیندران را بعهده داشت. بهنگام املاجات ارضی، قرا بر این گردید که این شخص ۱/۳ زمین های آبی و دیمی را به دهقانان واگذار نماید و ۱/۳ باقیمانده در ملک وی باقی بماند. اما او بدلیل نفوذ خود در دستگاه های دولتی رژیم توانست سهم بیشتری را به خود اختصاص دهد. بعنوان مثال در مورد ۱۵ هکتار زمین دیمی که طبق قرار فوق می باشد ۱۰ هکتار آنرا به دهقانان واگذار کنند، از این عمل خودداری نمود. دهقانان در مقابل حق کشتیهای مالک بارها به مقامات رژیم سابق شکایت بردند اما رژیم ضد خلقی شاه به خواستهای آنها ن توجه نداشتند. در سال ۱۳۵۵ مالک

دهقانان مبارز امیرآباد

۱- برای هماهنگ و منظم کردن کارها و انوری که در پیش دارید، چند نفر نماینده از زمین خودتان که بیش از همه در راه هدفها و خواسته های شما، فعالیت و فداکاری کرده اند، انتخاب نمایید.

۲- توجه داشته باشید که کارگزارانی که روی وسائل کشا ورزی کار می کردند همچون شمشیر کشا ورزان، در رنج و زحمت بسر برده و حتی مدتها بوده که حقوقشان را دریافت نکرده بودند. لذا ضروری است که حتما یک نفر از طرف این کارگران (البته مبارزترین و آگاهترین آنها) بعنوان نماینده آن کارگران، در جلسات شما حضور داشته باشند.

۳- از نفوذ عناصری که در حرکت انقلابی شما سنگ اندازی میکنند و بیهوده اصطلاحات آنرا خلاف مسیر انقلاب می دانستند جداً جلوگیری کنید تا در اتحاد دو یگانگی شما خللی وارد دنیا نیاید.

۴- سعی کنید که از هر طریقی که میتوانید با روستاهای دیگر و بخصوص با روستاهای اطراف (بقیه در صفحه ۱۷)

در شماره قبل "پیکار" (۲۶)، گزارشی داشتیم از اقدامات انقلابی و شجاعانه دهقانان مبارز روستای امیرآباد آمل در مورد مصادره بیش از ۲۵ هکتار زمین های فئودالیهای منطقه. در رابطه با این موضوع، حوزه ما زیندران سازمان، اعلامیه ای در تاریخ ۵۸/۱۰/۲ منتشر کرده است که ماقسمتی از آنرا در زیر نقل می کنیم:

... ما ضمن درود فراوان به این اقدام انقلابی شما، برای حفظ و مستحکم نمودن پیروزی های بدست آمده، برای درهم شکستن شوطه ها و بنفای افکنی های مالکین و افساد آنها و نیز تهدید پاسداران، توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم:

۱- برای حفظ وحدت و یکپارچگی خود در مسائل مربوط به ده و بخصوص در مواقعی که تصمیم های مهمی می خواهد بگیریید، لازم است که بطور مرتب جلساتی با یکدیگر داشته باشید.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

فلسطین - ایران : يك سنگر



" امروز ما همراه با یکدیگر، با نزدیکان ما لگرد آغا از انقلاب فلسطین را جشن میگیریم. ما لگرد روزی که انسان فلسطینی تفنگ بدوش گرفت و ما زره دشوار خویش علیه صهیونیستها را تجا و زگر به سر زمین آب آ و آجا دیش را آغاز نمود. فلسطینی، بعد از توطئه های نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی علیه سرزمینش، بعد از آنکه درک کرد برای با زمین گرفتن فلسطین محبوب خود را می غیر از صلح برداشتن نیست، تفنگش را بدوش گرفت. "

و در جای دیگر:

" ما از شما و از خلق کبیرا ایران با خاطر حمایت از خلقمان در سرزمینهای اشغال شده و حمایت از انقلاب فلسطین در مقابل توطئه های امپریالیستی و صهیونیستی از کتب دیوبند گرفته تا طرح توطئه آمیزی که آنرا خود مختاری ساحل غربی مینامند، تشکر میکنیم. "

سپس بیایم مجمع دانشجویان مترقی عرب قرائت شده که در آن با لحنی حماسی، پر شور و قاطع سپس بیایم مجمع دانشجویان مترقی عرب قرائت شده که در آن با لحنی حماسی، پر شور و قاطع شرایط اجتماع سیاسی ای که منجر به طلوع خورشید انقلاب مسلحانه خلق فلسطین گردیده بر سر آمده از توطئه ها، ضعفها و غیانتها پسرده برداشته بود، منجمله به خیانت احزاب رویزیو- نیستی اشاره کرده و چنین میگفت:

" آنان (انقلابیون فلسطینی) خیانتت احزاب " کمونیست " در شوروی و در کشورهای عربی را به آلمان و خلقها و آلمان طبقه کارگر، ثابت کردند. ائتلاف خیانتکارانه این احزاب با سرمایه داران دولتی را مفتضح و بر ملا کردند و در مورد کمدهی انتقال مصلحت آمیز قدرت نیز آتقدربی پایکی و بوشالی بودن آنرا عیان نمودند که با بدگفت وای بحال مدافعان بیچاره این تزها . "

رفقا دیگر صحبت از سازش و رویزیونیسم معنی ندارد، " تحول تدریجی " تحولی است ضد خلقی و ضد ملی و ضد میهنی .

بلبی رفقا، انقلابیون، عجز از زمانهای خرده بورژوازی ناسیونالیستی را که در قدرت

روزی بنشیند ۱۲ دیماه، بدعوت سازمان ما با هم با شکوهی بمناسبت با نهمین سالگرد انقلاب مسلحانه خلق فلسطین، در سالن ورزش دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. پوسترها و پلاکاردهای متعددی که هرکدام مبنای بیوند ناگسستن بین خلقهای ایران و فلسطین را در ما زره با امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع منعکس میگردید و راههای دانشگاه و سالن سرگزارش را جشن را تزئین مینمود. بزرگداشت این روز تا ریخی با مقدمات لازم تبلیغی در سطح شهر، و تا آنجا که امکان داشت، همراه بود.

نمایشگاههای از کتابهای مربوط به فلسطین در محوطه دانشگاه صنعتی شریف ترتیب یافته بود و نواری از سرودهای فلسطینی همراه با ترجمه در اختیار علاقمندان قرار گرفت. چندین هزار نفر در این مراسم شرکت نمودند و حمایت خود نسبت به مبارزه انقلابی خلق فلسطین را با شور و تحسین برانگیزا اعلام داشتند. مراسم با سرود گلبیرا ترننا سیونال و سپس سرود ملی فلسطین (بلادی، بلادی) در حالیکه حضار بیجا خاشته و مشتکهای خود را در فضا گره کرده بودند آغاز شد. بعد برای آدای احترام به شهدای هردو انقلاب، حضار یک دقیقه سکوت کردند.

سپس بیایم سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر بمناسبت برگزاری این جشن قرائت گردید. در این بیایم گفته شده بود: " ۱۵ سال پیش، انقلاب خلق رنج دیده فلسطین پس از شکستها و پراکندگیهای بسیار وارد مرحله نویسی از حیات خویش گردید. با تجربه گیری از شکستهای گذشته و با بی بردن به ما هیبت ضد خلقی ارتجاع عرب و هبران سازش - کا و فلسطینی حرکت انقلابی و سازمان یافته نوینی آغاز گردید. با انجام اولین عمل مسلحانه در سرزمینهای اشغالی بر علیه دشمن صهیونیستی راه نویسی در پیش پای خلق فلسطین گشوده شد. بین نسبتهای قبلی شکست و سازمان الفتن توانست با جلب حمایت توده های فلسطینی و وسیع آنان ادامه حرکت خود را تضمین نماید. "

همچنین با این نکته اشاره شده بود که: " امروز در شرایطی این جشن را برگزار می کنیم که هیبت حاکم جدید علی رغم تبلیغات خویش از زبان یزیدی ها و امپریالیستها، رسماً اعلام میکنند که زهر گونه کمک مالی و مادی به انقلاب فلسطین خودداری میکنند و این در حالی است که سه کمک با ندمان کمکهای فراوانی از حیب خلقهای ایران به سازمان اصل داده میشود. سازمانی که همیشه زیشت به انقلاب فلسطین خنجر زده است. علاوه بر این ما شا هدیم که چگونه چمران حتی در مساجد بر علیه انقلاب فلسطین سخن میگوید و چگونه هیبت حاکم کوشید دفتر سازمان آزادی بخش فلسطین در خوزستان را بسندد. بنا بر این وظیفه نیروهای انقلابی است که نبش زبیش در تبلیغ آلمان و اهداف خلق فلسطین در بین توده ها کوشا باشند. همبستگی انقلاب ایران و فلسطین را در مبارزه بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع توضیح دهند و در همین رابطه چهره فریبکارانه هیبت حاکم را افشا سازند. "

در بیایم ما تنها دیه عمومی دانشجویان فلسطینی شاخه ایران که بعداً قرائت شد منجمله چنین آمده بود:

سپیم هستند، آشکارا خندند، آنان اشتلاقی از خرده بورژواها، دمکراتهای انقلابی و نیروهای مارکسیستی در عرصه مبارزه مسلحانه ایجاد کرده اند، اشتلاقی که هنوز با برجاست. نیرو - های مارکسیستی جنبش راه دور در آری در پیش دارند و در این راه جنگ لبنان تعیین کننده است. همچنان که مکانات رشد نیروهای انقلابی در منطقه و تنبیرات ناشی از آن .

رفقا! اینکه سازمان پرافتخار ما دست به احیای این مراسم در این روز پر شکوه زده است دلیلی است بر روابط استراتژیک و بهم پیوسته خلقهای ما، پیوندی انفکاکنا پذیر و مستمر، پیوندی است در راه یک نبرد طولانی با امپریالیسم و صهیونیسم، و استوار و پیرش در راه مبارزه با ارتجاع داخلی، با سزما به داران غارتگر و وطن فروش. "

بعد بیایم دانش آموزان و دانشجویان هوادار سازمان بیکار خوانده شد. سپس دو دانش آموز خردسال که یکی شعری و بیایمی را نوشته بود و دیگری آنرا با شور تمام خواند پشت تریبون قرار گرفتند و از سوی دانش آموزان هوادار سازمان، دبیرستان ابوذر بخش فلسطین را تبریک گفتند.

در باره انقلاب فلسطین و مراحلی که تا کنون خلق فلسطین از سر گذرانده مقالاتی تهیه شده بود که تیر آنرا را به ترتیب زیر میخوانیم:

آغاز انقلاب، جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اعراب و اسراشیل، جنگ کرامه ۱۹۶۸، توطئه ها در لبنان و اردن (سپتامبر ۱۹۷۰)، مرحله با سازی و تلاش برای تجدید قوا، جنگ لبنان و دخالت سوریه و سقوط تل النزعت، جنگ در جنوب لبنان و انقلاب ادامه دارد .

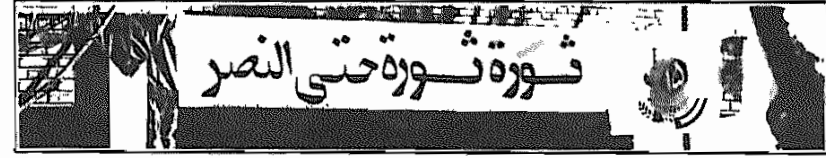
چندتا از مقالات فوق که در فواصل آنها بیایم، شعرها، شعراها و نیز سرودهای فلسطینی همراه با ترجمه اجرا میشد قرائت گردید و امیدواریم این مقالات پس از تکمیل به صورت جزوه ای منتشر گردد.

دوستان از رفقای که مشخصاً در جنگهای لبنان در سالهای ۵۴ و ۵۵ شرکت داشته اند برخی از خاطرات خود را برای حضار بیان کردند و از انقلابیون ایرانی که در جبهه های نبرد فلسطین مشارکت داشته اند یاد نمودند .

بیایمی نیز از سوی زحمتکشان اسلام شهر هوادار سازمان بیکار و بیایمی دیگر از سوی جمعی از کارگران بیکار خوانده شد .

در پایان و پیش از نمایش فیلم فلسطینی "الارض" که بخشی از مبارزات و نظرات مردم داخل سرزمینهای اشغالی بمناسبت روز ۳۰ مارس ۷۶ را نشان میداد، قطعه ای به میتنسنگ قرائت شد که متن آنرا در زیر می آوریم:

قطعه ای با بیان مراسم ما شرکت کنندگان در جشن با نزدیکان ما لگرد انقلاب مسلحانه فلسطین، ضمن تبریک این عید ملی به خلق قهرمان فلسطین در داخل



راهیمایی ضد امپریالیستی دانشجویان و دانش آموزان و حمله ارتجاع

زحمتکشان و خلقهای قهرمان، راه نفوذ بیش از پیش امپریالیستها را هموار نموده است.

۳ - از آنجا که به اعتقاد ما مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری وابسته نمیباشد، مبارزات کارگران و بیگانه بر علیه سرمایه بهاران مفتخوردند، همانا زحمتکشان بر علیه زمینداران خونخوار و عمل انقلابی زحمتکشان برای مبارزه زمینها و خانه های وابستگان، جزئی از مبارزات خلقهای ما بر علیه امپریالیسم نبوده و وظیفه خود و دیگر انقلابیون را شرکت هر چه بیشتر در این مبارزات و گسترش آنها میدانیم.

۴ - ما ضمن پشتیبانی از خواسته های برحق خلق کرد، توطئه های هیئت حاکمه را بر علیه آنها محکوم کرده و اعلام میکنیم که هیئت "حسن نیت" دولت همچنان که تاکنون نیز نشان داده است حاضر به پذیرفتن هیچیک از خواسته های برحق خلق نگردیده و در تمام این مدت تنها قصد تفرقه در میان هیئت نمایندگان خلق کرد و مشوش کردن ذهن توده ها بر علیه نیروهای انقلابی را داشته است.

۵ - ما ضمن افشای حاسوسان امپریالیسم نظیر انتظا میا و لیبرالهای خائن نظیر بارزان که تنها از طریق حفظ و احیای سیستم سرمایه داری وابسته قادر به ادامه حاکمیت خود میباشند اعلام میداریم که علم کردن بعضی از خیانتها و خیانتکاران و سازشکاران و نوکران امپریالیسم تنها سرپوش گذاری و آب تظہیر ریختن بر اعمال و سیاستهای هیئت حاکمه ضد خلقی است که امروزه بر اثر شورش انقلاب، بیزوله و افشا شده و دعاوی درون آن نیز با لگرفته است.

۶ - در ضمن ما به تمامی نیروهای انقلابی که زست ضد امپریالیستی هیئت حاکمه نسبت به ما هیئت واقعی رژیم دچار توهم گشته اند هشدار میدهیم که مواظب حملات و پیورشیهای ارتجاع و توطئه های جدید آنها بر علیه خلق و انقلابیون و کمونیستها بوده و هوشیاری خود را از دست ندهند. دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر، دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان بیگانه در درازای آزادی طبقه کارگر

عصره شنبه ۱۱/۱۰/۱۰ یک راهیمایی ضد امپریالیستی و مدارتجای از طرف دانشجویان مبارز... و دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان ما ترتیب داده شده بود. این راهیمایی که از همان ابتدا با مزاحمت و حمله و بیانشان فلانتر و برونسازدانشگاه تهران شروع و پس از پیچیدن خیانتان انقلاب، میدان انقلاب، خیانتکاران، خیابان جمهوری، ساورش، فالانترها، آخا تمدن است، راهیمایی که سوارهای نظیر: "مرک بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"، "با دهن زخمی دهها هزار کشته"، امیرانتظام خائن چرا بقدرت رسید" و... اسن مسیرها را طی کردند. فالانترهای نا آگاه و مرتجع که مشخصاً از قبل سازمان داده شده بودند اعلامیه ها، سر تا سر دروغ و مستهجن بنا بر تاریخ همان روز علیه سازمان ما پخش میگردد و با وجود حفظ متانت از جانب راهیماییان، فالانترها به صغیر نظر رکندنگان حمله برده و آنرا مضروب ساختند. اوج گرفتگی حملاتی استعجیبی با دیگر نبض تند ارتجاع را که در هفته های اخیر بر شدت حملات خود به نیروهای انقلابی و مترقی افزوده است، نشان می دهد.

در این راهیمایی قطعنامه ای نیز منتشر شده که در زیر قسمتی از آن را ملاحظه میکنید:

اعلامیه خطا به خلقهای ما را، بران از جنبش توده ها، خیانت لیسرا لیا و حران اقتصاد - اجتماعی که نسبتاً نگرددگی سیستم سرمایه داری وابسته است... سخن گفته و اعلام نموده است که:

۱ - مبارزه با امپریالیسم تنها از طریق قطع نفوذ امپریالیسم و بنا بودی نظام سرمایه داری وابسته امکان پذیر است.

۲ - هیئت حاکمه در مدت تکامل پس از قیام بهمن ماه علیرغم همه ظواهر ضد امپریالیستی به خود گرفتن، نه تنها کوچکترین قدمی در راه بریدن بندهای وابستگی به امپریالیسم برنداشته است بلکه از طریق با سازی ارتش دست برورده و ترالهای آمریکائی و دعوت از سرمایه داران وابسته برای سرمایه گذاری مجدد و سرکوب مبارزات کارگران،

سرمزبنیهای اشغالی و خارج آن، اعلام میداریم که:

۱ - از حق عادلانه خلق فلسطین در سازگشت به وطن، آزاد کردن آن و ایجاد دولت دمکراتیک فلسطین پشتیبانی میکنیم.

۲ - جنبش مسلحانه خلق فلسطین را جزئی از مبارزه خلق عرب، جزئی از مبارزه خلقهای ستمدیده منطقه و جهان علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع میدانیم.

۳ - ما راههای تسلیم طلبانه را که از سوی امپریالیستها و ارتجاع منطقه جهت هربوشی اراده میشود و هدف از آن خلق خلق فلسطین و نابود کردن آرمان اوست، ما طبعاً نه محکوم میکنیم و از نیروهای ساریسنا پذیر فلسطینی که در برابر توطئه ها و وعده و وعیدها سر تسلیم فرود نمی آورند و بدین پیشتیای میکنیم.

۴ - ما توطئه بورژوازی وابسته عرب بر هری سادات و هیملیکها، بش، غزه توطئه مختاری خلق فلسطین در ساحل عربی و توطئه کنفرانس های بین المللی نظیر کنفرانس ژنو و کسب دیوید، توطئه ایجاد تفرقه بین شیعیان جنوب لبنان و انقلاب فلسطین که بوسله در رودسته اصل دامن زده میشود، حملات نیروهای دست راستی لسانن همچنین هرگونه کوشش برای قیومت بر خلق فلسطین و از بین بردن استقلال عمل آنرا محکوم میکنیم.

۵ - ما سازمان آزادیبخش فلسطین را که کلیه سازمانهای انقلابی فلسطینی در آن عضویت دارند بهیچ وجه نمیتوانیم به تنهایی خلق فلسطین بر سمیت میسنا سیم و از نیروهای انقلابی فلسطینی منجمله الفتح و جبهه خلق برای آزادی فلسطین سر هری رمی زربش حمایت مینمائیم

۶ - ما با تمام خلقهای مبارز و قهرمان ایران اعلام میکنیم که در ایران باید برای انقلاب فلسطین امکانات با بیگانه نظامی، کمکی مالی و تسلیحاتی، کمکی تبلیغاتی نظیر فرستادن راهیونی فراهم نمود. ما با ست فریب کاری و استخفا ده از فلسطینی ها و عدم کمک به آنها را که از سوی رژیم ایران و بوسله یزدی ها و چمرانها تاکنون اعمال شده محکوم میکنیم.

۷ - ما خواستار آن هستیم که روابط مستمر انقلابی بین سازمانهای توده ای ایرانی و فلسطینی، بین اتحادیه های کارگری، دهقانان دانشجویی و دیگر اتحادیه های خلقی دولت، ایجاد و تقویت گردد.

۸ - ما به خلق قهرمان و نیروهای مترقی لسانن که با لیاقت شدیدترین حملات ارتجاع و امیر - نالیسم را تحمل کرده و هم در وقت انقلاب فلسطین می جنگند، درود میفرستیم و همچنین پشتیبانی خود را از انقلاب خلق عمان اعلام میداریم.

۹ - ما به شهیدان ایرانی که در مبارزات انقلاب فلسطین آموزش دیدند و به انقلابیون فلسطینی که از هیچگونه کمکی به انقلاب و انقلابیون ایرانی دریغ نکردند درود میفرستیم و با خون شهیدان بیمانع میبندیم که تا نودی کا مسلط امپریالیسم و نودی صهیونیسم و ارتجاع همدوت با خلق فلسطین به مبارزه ادامه دهیم.



تقیه از صفحه ۶
توطئه هیئت حاکمه...
متوقف شده است. بییش مرگان بیگانه رشب قبل به اسناداری مراجعه کرده و مسئله محافظت از اسناداری را مطرح می کنند ولی به پیشنهاد منحصی برای جلوگیری از هرگونه درگیری از این کار منصرف می شوند در ضمن امروز سابع است که گشای مفتی زاده تصمیم دارند در مسجد جامع متحصن بشوند و حتی اعلامیه های سنا از طرف آنها برای حمایت از پادشاهان برای باقی ماندن در شیرپخش می شود. امروز اعلامیه های برای هوشیاری مردم نسبت به ارتش توسط نیروهای سیاسی در شیرپخش شده و مردم مسدود شده است که به نحصن و مبارزه سیاسی اکتفا نکرده و آماده مقابله با ارتش و هجوم مجدد آن ناسد.

ش تاع می شود از زبان تصمیم گرفته...
اند فردا صبح گمن پوشیده و سمت محل ناسد -

جمعه ۱۴/۱۰/۱۰ - عده ای از متحصنین صبح زوده مسجد جامع رفته و در آنجا متحصن میشوند تا ظاهراً جاش های مفتی زاده این کار را نکنند ولی بعداً معلوم می شود عده ای از عتاصر مفتی زاده نیز در بین آنها نفوذ کرده و سعی میکنند شعارهای سیاسی را تبدیل به شعارهای مذهبی کرده و حتی جنبه را علاوه بر شعار از طرفداران مفتی زاده بخت می شود.

امروز عده ای از پیشمرگان به محلات فقیر - نسس رفته و لبروم آموزش نظامی را به مردم تکیه کرده و آنرا آموزش می دهند. ظهیر یک حث فانتم ارفاطه کمی روی شهر مانور می دهد. نیروهای سیاسی در آنجا به باش هستند و در شهر سنگرها همسنان باقی است.

۵۸/۱۰/۱۲

زیگراگهای ضد انقلاب و انعکاس يك جانبه آن در صف انقلاب (۳)

نگاهی گذرا به مواضع سیاسی گذشته "اتحادیه کمونیستهای ایران"

از مسئله قدرت سیاسی در ایران عرض نکرده و همیشه از یک زاویه خرده - بورژوازی به آن نگاه نموده اند. بطوریکه یک زمان سرگونی رژیم سرما به داری وابسته در ایران را در "سرنگون کردن رستاخیز" و "دغسان کردن بایگهای شدن رژیم محمدرضا شاه" و "با دیگر در سرنگونی دربار پهلوی جستجو میکرد. به نقل قول زیر توجه کنید:

"در همین ماه هرگز در تحت رژیم شاه، هیچ دمکراسی بورژوازی نمی - تواند بوجود آید. سرگونی دربار شاه و بدست ندهد های مردم، پیش شرط هر گونه دمکراسی در کشور ما است" (تا کبدا را ما است - حقیقت شماره ۶ اسفند ۱۳۵۵) بدین جهت می بسیم که "حقیقت" ما ز ره سر علیه سرما به داری وابسته

● اگر "اتحادیه کمونیستها" در گذشته ارتجاع داخلی و بطور عمده سلطنت پهلوی را از امپریالیسم جدا می کرد، اکنون این نیرو همچون نیروهای دیگر مانند چریک های فدائی مبارزه ضد امپریالیستی را عملاً از مبارزه با ارتجاع داخلی و ضد انقلاب جدا کرده است.

و در راس آن شاه را تحت عنوان مبارزه برای "سرگونی دربار شاه" بصورت یک مرحله و "پیش شرط هرگونه دمکراسی در کشور ما" در آورده است. اینس درک، درک لیبرالی ارتدوگس سیاسی ایران پس از ماه مه است. زیرا "سلطنت" را که ما یکی از ارکان و احرا سیستم سرما به داری وابسته و سلطه ما بر ما لیم در ایران بود (هر چند که جز "جمعی از آن باشد) از خود این سیستم جدا کرده و ما بودی سلطه ما بر ما لیم و سیستم سرما به داری وابسته را هدف بلاوا بده انقلاب ایران و ما را توده ها فرا رنمیدهد. کما اینکه در نتیجه فیا منبر رژیم سلطنت و "درما رپهلوی" و "رسانا سز" سرگونی شد، ما سیستم سرما به داری وابسته علیه مردم دیدن، بدلیل ما هیت نیروهای سیاسی مسلط برجست، کماکان خط گردید. این درک وجه مشترکی با درک لیبرالی رسمی جزئی که ما ز ره سر علیه سرما به داری وابسته و در راس آن با ندم دور ما را تحت عنوان "مبارزه بر ضد دیکتاتور شاه" از مبارزه ضد امپریالیستی جدا میکند، داشت و بسند آن نزدیک مشد.

اما اگر "اتحادیه کمونیستها" در گذشته ارتجاع داخلی و بطور عمده سلطنت پهلوی را از امپریالیسم جدا میکرد، اکنون این نیرو (۲) همچون نیروهای دیگر مانند چریکهای فدائی مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه با ارتجاع داخلی و ضد انقلاب جدا کرده و با پشتبانی از خرده - بورژوازی مرفه سنتی، یعنی بخشی از هیئت حاکمه که از زمان تلفیق شورای انقلاب و دولت دیکرکا ملافه ضد انقلاب پیوسته است، بنوع دیگری اینس گرایش لیبرالی و رویزیونیستی را از خود نشان میدهند.

برخورد منشویکی اتحادیه به بورژوازی لیبرال ایران

انحراف دگما تیسیتی "اتحادیه" در برخورد با ما معا ایران و آراسی نیروهای طبقاتی موجود در آن، منجر به آن شد که این آراسی را در ما معا سرما به داری وابسته ایران درست منطبق با آراسی طبقاتی ما معا سمه - مستعمره - نیمه فئودال چین قلمداد ما بدو را بین زمین به داری وابسته در شود. به عنوان مثال میتوان از برخورد این نیرو به بورژوازی لیبرال در بقیه در صفحه ۱۲

(۲) - هر جا که نام "اتحادیه کمونیستها" را در رابطه با دوره اول فعالیت این جریان (خارج کشور) ذکر میکنیم منظور آن نیروی است که کمال نیروهای منشعب کنونی (اتحادیه کمونیستها، اتحاد انقلابی - برای رهاشی کار و رزمندگان م.م.ل) را در بر میگیرد و در آنجا که این نام را در دوره دوم به کار میبندیم منظور همان بخشی است که پس از آن فعالیت تحت این نام فعالیت می کند.

ما در شماره های قبلی پیکار، مختصراً و با اشاره به اسناد و مدارک، خطوط کلی مواضعی را که "اتحادیه کمونیستهای ایران" در رابطه با رویدادهای سیاسی اخیر ایران، اتخاذ نموده است توضیح دادیم. در این شماره ضمن اشاره مختصر به برخی مواضع سیاسی این نیرو در دوره اول فعالیتش (خارج از کشور) به بحث پیرامون مواضع این نیرو در دوره دوم (پس از ورود به ایران) می پردازیم.

موقعیت خاص فعالیت سیاسی و عملی گروههای خارج از کشور در طی سالهای گذشته، که ویژگی آن همانا دوری از جریان مبارزه طبقاتی و عمل انقلابی و بیوژه جدائی از مبارزه طبقه کارگر از یک سو و محصور ماندن در حصار تنگ جنبش دانشجویان مبارزان خارج از کشور از دیگر سو میباشد. زمینه بروز و عملکرد یک سلسله انحرافات و نقطه نظرات انحرافی را فراهم میساخت. این انحرافات که در کلیت خویش یک انحراف اپورتونیستی راست را تشکیل میداد، در زمینه عملی منجر به سیفیم سیاسی این نیروها (که در اینجا مورد نظر ما نیست) و در زمینه نظری مبنای شکلگیری یک جریان سوبژکتیویستی (ذهنی گرائی) قوی در این نیروها می گشت. "اتحادیه" کمونیستهای ایران" در آن زمان نیز در دایره جنبش انحرافی قرار میگرفت. در واقع دوری رفقای "اتحادیه" از فعالیت انقلابی داخل کشور و پروسه عینی مبارزه طبقاتی در آن زمان، این نیرو را بتدریج از واقعیات عینی ما معا دور کرده و به یک ذهنی گرائی قوی و عمیق که در تمام عرصه های فعالیت نظری خود را نشان میداد، دچار مینمود.

این انحراف از آنجا بوده که در واقع رابطه طبیعی میان تئوری و پراتیک، فعالیت نظری و فعالیت عملی، که دو جنبه ای می و تکمیل پروسه طبیعی و منطقی شناخت پدیده ها است، قطع میگردد و تئوری پشتوانه پراتیک، یعنی عنصر اصلی پروسه شناخت را از دست میداد.

تجلی اصلی انحراف سوبژکتیویستی رفقای "اتحادیه" در عرصه تئوری قرار گرفتن بر راستای یک درک دگما تیک ترینه ما زانه از مسائل انقلاب ایران و الگو برداری از تئوری انقلاب چین در تبیین مسائل جامعه و انقلاب ایران بود. (۱)

این دگما تیسیم و الگو برداری مانع از آن میشد که "اتحادیه" تغییر و تحولاتی را که در بافت جامعه ایران، در طی سالهای پس از فرم ارضی صورت گرفت و بر اثر آن جامعه ایران به تبعیت از بناها و ضروریات سیستم امپریالیستی، بتدریج از یک سیستم نیمه فئودال - نیمه مستعمره، به یک سیستم سرما به داری وابسته تغییر یافت، درک کرده و کوشش نماید تا این تغییر و تحولات را بطور عینی و در پروسه تکامل تدریجی اش، با استفاده از آموزشهای مارکسیستی - لنینیستی و تجربیات جنبش کمونیستی و کارگری جهانی، تبیین نماید و نتایج تئوریک، سیاسی و عملی آن را مورد ملاحظه قرار دهد.

آنها بجای این کار، در مصادیق مکانیکی قوانین و مسائل انقلاب چین بر انقلاب ایران برآمدند و از همیترونه تنها از تحلیل صحیح اوضاع اقتصادی - اجتماعی ایران بدو افتادند، بلکه بدنبال آن در سیاست و خط مشی نیز دچار انحراف راست روانه ای شدند که به مواردی از آن اشاره میکنیم:

برخورد به قدرت سیاسی

رفقای اتحادیه در پروسه فعالیت خود هیچگاه درک صحیح و روشنی

(۱) - البته این انحراف تجلیات دیگری هم داشت که از جمله میتوان در دنباله روی از سیاستهای کشورهای سوسیالیستی چین (قبل از حاکمیت داوودستور و رویزیونیستی اخیر) "تزدستگاه افشاگرانه" برای ایجاد حزب کمونیست، که این بنا را از انقلاب روسیه کپی برداری شده بود، و اعتقاد به "اندیشه ما ثوتسه دون" یعنی به یک مرحله نوین وجهان شمول از تکامل مارکسیسم - لنینیسم ... نام برده که برخورد به آنها در این مقالات مورد نظر ما نمی باشد.

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز از چهره آنان برداریم

گرامی باد یکصدمین سالگرد تولد حیدرخان عمو اوغلی (۲)



اندیشه های سوسیالیستی و نفوذ آن در بین ایرانیان

آشنایی با مارکسیسم

در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری مهاجرت ایرانیان به کشورهای خارج اوج بی سابقه ای گرفته بود. توده های مردم که بنا به آمارهای موجود ۸۵٪ آنان را دهقانان تشکیل می داد، از فرط گرسنگی و سیاه روزی همراه با خانواده های خود جهت کسب روزی و نان بخور و نمیر به خارج و بخصوص به همسایه شمالی، روسیه مهاجرت می نمودند. بنا به آمار موجود در سال ۱۹۱۸ میلادی

قرن سیزدهم هجری و بخصوص نیمه دوم آن مصدق بار شد سرمایه داری در ایران و دوران گذار از شیوه تولید فئودالی به شیوه تولید سرمایه داری است. این دوره رشد و گذار علی رغم اینکه تحت سیاحتی است! استعاری انگلیس و روس نشناخت سیر طبیعی خود را طی کند و آهنگ رشد آن به میزان قابل توجهی کند شده نتوانست عناصر ذهنی و عینی خود یعنی رشد علم و آگاهی، بیداری و روشنفکران و بدنیا آید. اندیشه های سوسیالیستی از یک سو و بورژوازی قدرتمند و رادیکال و به همراهش فئودال طبقه کارگر را سوی دیگر احاطه و کمال بمانند نمونه های اروپائی بوجود آورد، ولی بهرحال سرمایه داری از همین کوره هاها بتدریج ره می گشود و ملزومات خود را نیز در دل خود بوجود می آورد.

آورد. در این سالها ارسال مطبوعات انقلابی و از جمله یکرا از طریق برلین - وین - تبریز با کوشش بهر وسیله تقسبیا رزمی را در مسعود ما رکیسم در بین ایرانیان و ارتباط سوسیال-دموکراتهای روسیه با ایرانیان انفا کرد. همچنین ایرانیان از طریق همس راه مطبوعات انقلابی خود را در روسیه چاپ نموده و به ایران و اردمی کردند. همچنانکه "روزنامه غنیمی" که در اصفهان تهیه می شد، سراز چاپ در پترزبورگ سابق دوباره به ایران وارد می شد.

ورود به ایران

چنانکه از ظرات حیدرخان بقلم خود وی که در مجله یادگار چاپ شده برمی آید، بهنگام سفراول مظفراالدین شاه به فرنگ و توقف و دریا کوبه تا ریخ ۱۲۷۹ هجری، حیدرخان در مقام مهندس برق جهت کارخانه چراغ برق مشهد استخدا شده و راهی خراسان شد. ۱۱ ماه در آن

● "رفقا! ما فرزندان خلیقم برای احقاق حق خلق مبارزه میکنیم. سرمایه داران دشمن ما هستند، ما از هر گونه سازش با این ستمگران امتناع می ورزیم. اینها خفه کنند، جنین رهایی بخش و مکنده خون مردم زحمتکش هستند. در مبارزه با این ستمگران برای ما، با سرگ و بیابان پیروزی است! راه برگشت و عقب نشینی برای ما موجود نیست! ما به پیروزی خود اعتماد و اطمینان داریم، ما مطمئن هستیم" از سخنرانی حیدرخان عمو اوغلی در متینگ بین الی تارگران پترزبورگ

شهر قاصت گزید. خود وی می نویسد: "در تمام مدت با زده ما که من در خراسان اقامت داشتم هر چه سعی و تلاش کردم که بلکه بتوانم یک فرقه سیاسی بدستور (یعنی طبق نمونه) روسیه تشکیل بدهم، ممکن نشد... در این مدت فقط یک نفر، مشهدی ابراهیم میدانی را که کارخانه گیلزسازی آورده مشغول ساختن گیلزساز بود، ما خردم عقیده ای فتم که می توانستیم با او صحبت فرماییم. در خراسان بی فایده ما شده لذا در ۱۷ رجب ۱۳۲۱ (مصادف با ۱۲۸۲ هجری) به تهران اعزام شدم. چنانکه زنگنه حیدرخان برمی آید وی اولین هسته سوسیال دموکرات را با مشهدی ابراهیم میدانی تشکیل داده است. گفته خود حیدرخان همچنین ثابت می کند که نوشته رورتا "ما" مبنی بر اینکه "جمعی از کارگران و هم فکران ما را تشکیل می دهد" و همچنین مشهدی ابراهیم میدانی "کارگران خراسان" (شماره ۱۲۲، ۲۹ آذر) سوده، کاملاً نادرست می باشد.

حیدرخان در تهران

حیدرخان پس از ورود به تهران به توالی در سه "اداره" ماشین خانه، نجارخانه روسی حمل و نقل ایران و چراغ سوری حاج حسین آقا سکا مشغول گردید و از این طریق با توده وسیعی آشنا گردید و با نورتا مبه تبلیغ ایده های مشروطه خواهی در میان آنها پرداخت. در این دوره است که جنبش مشروطه خواهی می گیرد و حیدرخان بهنگام یک دموکرات پیگیر با نورتا در این جنبش اوج گرفته شرکت می کند. در این میان عکس انداختن میسونو بلریکی در لباس آخوندی انبیا رخصتم توده های مردم را در تهران منفجر می سازد. در این زمان حیدرخان یکی از بی ثورترین و بی گبیرترین سازماندهان توده ها است. در مرداد ۱۲۸۵ زیر فشار توده ها

۲۵۰ هزار نفر ایرانی در روسیه قاصت داشته اند. ۲۵۰ دموکرات و کارمندان صنایع نفت با کورای ایرانی ها تشکیل می دادند. در این سالها روسیه به قدرتمندترین مرکز جنبش کارگری جهان تبدیل شده بود و سوسیال دموکرات ها فعالیت گسترده و قابل توجهی را در میان توده های زحمتکش و بیوزنه کارگران به انجام می رساندند. ایرانیان در این محیط انقلابی با ایده های انقلابی و سوسیالیستی آشنا شده و با شرکت در جنبش انقلابی کارگری آیدیده و تربیت می شدند. وهم زمین ایرانیان بود که پیشروترین کارگران انقلابی ایرانی بوجود آمده و در دوره های بعدی و بهنگام او جکیبری انقلاب مشروطه و گیلان نقش بسیار عظیمی در انتقال آگاهی سوسیالیستی و انقلابی به ایران و تشکیل هسته های سوسیال - دموکرات که بعدها در مسیر تکامل ملی خود به حزب کمونیست ایران تبدیل شدند، ایفا نمودند. از طرف دیگر با مهاجرت اجباری گروهی از روشنفکران بخارج از ترس استبداد و خوفشان قاجاری و همچنین مسافرت گروهی دیگر از آنان جهت ادامه تحصیل و کسب علم، روشنفکران انقلابی نیز تربیت می شدند. حیدرخان تا روزی در سن ۱۱ سالگی همراه خانواده خود به مهاجرت رفت و تحصیلات و زندگی خود را در محیط انقلابی روسیه ادامه داد و در ایران و سپس در تخلص به کسب درجه مهندسی برق نایل آمد. و در همین جا بود که حیدرخان تحت تاثیر سوسیال دموکرات های روسیه، با مارکسیسم و جنبش کارگری آشنا شده و بصورت یک سوسیال - دموکرات پسر شور و هوشمند درآمد.

در این میان روزنامه ایسکار که جهت تشکیل واقعی حزب کارگر سوسیال - دموکرات روسیه و تدارک جدی دومین کنگره حزبی از سال ۱۹۰۵ در خراسان منتشر میشد و بخصوص مقالات لنین در این میان تا تاثیر شگرفی بر وی حیدرخان گذاشت و او را در شمار طرفداران مشی لنین در

قدیمی ترین سندی که در باره سوسیالیسم در مطبوعات ایران یافت می شود به تاریخ ۸ مارس ۱۸۸۰ میلادی برمی گردد که در شماره ۴۱۲ روزنامه ایران بصورت مقاله ای درج شده است. این مقاله علیرغم اینکه از دیدگاه سوسیالیسم علمی نوشته نشده و تفاوت اساسی بین سوسیالیسم بورژوازی و خرده بورژوازی از یک سو و سوسیالیسم علمی طبقه کارگر را درک نمی کند، علیرغم اینکه نظر خوبی نسبت به سوسیالیسم نداشت و تحت تاثیر با طیل رایج به تکرار آنها مانتی از قبیل "اشتراک زنان" و "استحلال محرقات و آب حیات فواحش" در میان سوسیالیستها برداشته است، ولی بهرحال در مقایسه با مواضع روزنامه "فرهنگ" که همزمان با آن منتشر می شد و نوشته های کینه توزانه نسبت به سوسیالیسم از قبیل "ردنچه بره" اثر سید جمال الدین اسدآبادی را چاپ می کرد، نقش مثبتیانه ای را داشته است و بر روی خوانندگان ایرانی اثری مثبت می توانست داشته باشد. ایده ها و اندیشه های سوسیالیستی از نوع سوسیالیسم تخیلی در تاریخ خلقهای ایران نیز همانند اروپا و اکثر خلقهای جهان وجود داشته است و خلق ایران از این نظر تاریخی غنی و ارزشمند است. آتش که در او خ حکومت فحاک بر علیه استبداد و مظالم و بیباخت، مزدکیان در دوران سلطنت سلطان قباد، قرامطه، اسماعیلیه به رهبری حسن صباح و بخصوص در دوران حسن ابن محمد، ایده های سوسیالیستی سبز وری و... نمونه های برجسته اینگونه افکار و جنبش ها می باشد. اما افکار سوسیالیستی علمی معاصر از طریق روسیه به ایران رسوخ پیدا کرد. با بیای او جکیبری جنبش رها شدی بخش در میان توده ها و روشنفکران، سطح آگاهی سیاسی نیز به میزان فوق العاده ای بالا رفت، و به همین اندازه نیز زمینه برای رشد سوسیالیسم علمی و تشکیل گروههای رزمنده سوسیال دموکرات فراهم تر می شد.

هیئت حاکمه با اعدام انقلابیون بیش از پیش خود را رسوا می کند

شهید بهروزنیا را متهم به ربودن هلی - کوپتر به سمت کشور عراق نمود . درحالیکه این افسرانقلابی چون حاضر نشده بود از او امر فرمانده مزدور خویش که بوی دستور داده بود به پایگاه "دزلی" مقرا رودسته قیاده موقت برود و درگشتا ریشمرگه های کرد شرکت کنند اطاعت نکرده و او را با به سزای اعمال تنگین خود رسانده بود ، دستگیر شده بود .

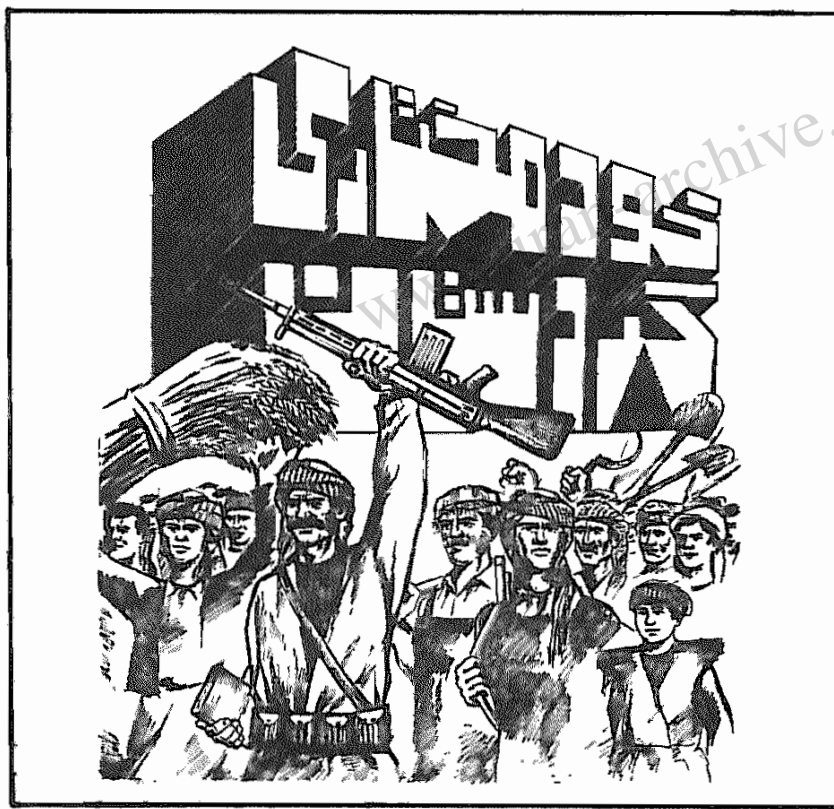
خلق همیشه به فرزندان دلاور خود ارج می - نهد . مردم سنندج نیز در مرا سم تشییع جنازه شهید بهروزنیا نشان دادند که بهروز در قلسب آنان جای دارد . ۵۰۰ هزار نفر از مردم سنندج درحالیکه تا بوتا و او را با رچه سرخ پوشانده بودند با شاعرها و پلاکاردهای فراوان رژیم را بخاطر جنایتی دیگر شدیداً محکوم کردند . آنها سوگند یاد کردند که راه شهیدان خود را تا پیروزی برای میریالیسم و ارتجاع خواهند پیمود . درود بر همه شهدای راه آزادی و استقلال درود بر شهید بهروز بهروزنیا افسر آزاده و انقلابی

جلادان خلق کرد با دیگری از فرزندان انقلابی خلق کرد را تیرباران کردند . بهروز بهروزنیا افسرانقلابی و دلیر کردستان چندی پیش به دست رژیم ضد خلقی به شهادت رسید . او فرزند خلق کرد بود . از میان مردم ستمدیده برخاست و در راه خدمت به آنان جان باخت . او نشان داد که حاضر نیست تن به اطاعت کور - کورا نه بدهد .

هیئت حاکمه که بلافاصله پس از قیام ارتش در هم ریخته نشانها را نوسازی کرده است و چمران ها و فلاحی ها ، مدنی ها ، ظهیرنژادها ی جلاد و مزدور را در آن گمارده است ، با چنین فرزندان انقلابی در درون ارتش طرف است . و علیرغم تمام تمغیه ها و اخراج افسران و درجه - داران مبارزانقلابی نمی توانند بر احمقسی ارتش نشانها را با سزای نماید .

لازم است تذکر دهیم اعدا م این افسرانقلابی درست در شرایطی صورت می گیرند که هیئت ویژه دولت به اصطلاح مشغول مذاکرات صلح با هیئت نمایندگان خلق کرد بود . رژیم بـدروغ

بقیه از صفحه ۶ قطع مذاکرات صلح ... مفتی زاده های دیگری پیدا کنند بهمین لحاظ است که شا هدگفتگوهای مشکوک بسیاری بخصوص در نواحی جنوب کردستان هستیم . بدین ترتیب ما هدیم که هدف هیئت ویژه دولت ، سوخود آوردن یک قطب سازشکار از جریان های سوزوآشی و ارتجاعی در کردستان در مقابل نیروهای انقلابی و مترقی و سس معامله با این طب بر سر مذاق خلق کرد است ، اما این آقایان تنها یک چیز ناقابل را فراموش کرده اند و یک چیز ناقابل را نمیتوانند سپینند و آن خلق بسا خواسته و مسلح کرده است . این جوهری است هیئت حاکمه ضد خلقی در سرخورد به مسائل کردستان است . هیئت حاکمه زمانی که به کردستان لشکر کشی کرد نمیتوانست شکست معتمدا نه خود را دست خلق کرد پیش بینی کند و امروز نمیتواند در کرد که کم از زمانه های سمرتی و انقلابی تنها به اعتبار همراهی و سیج خلق ناسنده ما بندگی آنها را دارند و در اوضاع کنونی ، خلق کرد هرگز اجازه نخواهد داد که سرسرتافع وی معامله صورت گیرد ، اگر می بینیم که در اجتماع (۵۸/۹/۱۱) مردم سنندج یکی از رهبران رویزیونیست حزب دمکرات محبوب می شود به همراه مردم شاعر "مرگ بر حیزب توده" را تکرار کنند ، اگر ما هده می کنیم که در کردستان برای نیروهای رویزیونیست نظیر توده آنها و سه جانی ها جانی وجود ندارد ، اگر می بینیم که نیروهای دمکرات مذهبی که در جریان هجوم وحشیانه رژیم به کردستان به فرماندهی چمران مزدور سکوت کردند ، نفوذی در بین خلق کرد ندارند همه و همه سطح بالای آگاهی خلق کرد را نشان میدهد ، و مسلماً نوظئه جدید هیئت حاکمه در کردستان نیز که تحت پوشش عوا مغربانه مذاکرات ، همان اهداف فکلی یعنی ضربه زدن و در نهایت سرکوت جنبش خلق کرد را دنبال میکند ، بشرط افشای همه جانبه آن از جانب نیروهای انقلابی و بخصوص مارکسیست - لنینیستها نقش بر آب خواهد شد .



زیرنویس از صفحه ۶

- (۲) - قطعنامه متضمنین استانداری سنندج چنین است : در نتیجه مذاکراتی که نمایندگان گروه های متضمن در استانداری کردستان با آقای حسین شاه ویسی استانداری کردستان و سرکار سرهنگ نورالدین هویدا رئیس شهربانی کرد - ستان بعمل آورده در موارد زیر توافق حاصل شد . ضمناً نمایندگی افراد منتخب فقط و فقط در خصوص مذاکره پیرامون خروج پاسداران از شهرستان سنندج و اجرای مواد هفتگانه توافق - نامه مورخ ۵۸/۱۰/۱۳ است و بعد از رای هیج - گونه سمت نمایندگی نیستند .
- ۱ - خروج فوری وبی قید و شرط کلیه افسراد سپاه پاسداران از شهرستان سنندج بلا - فاصله باید تحقق پذیرد .
- ۲ - حفظ انتظامات در شهر سنندج بمعهد پیرسنل موجود شهربانی سنندج می باشد که طبق قانون وظایف خود را انجام دهند .

- ۳ - هیچک از ما کنین شهر قح حمل سلاح بطور آشکارا در داخل شهر اندارد .
- ۴ - حفظ حرارت ساختمان رادیو - تلویزیون که فعلاً در تصرف افراد سپاه پاسداران می - باشد به شهربانی واگذار گردد .
- ۵ - حفاظت از فرودگاه سنندج کما فی السابق بمعهد پلیس فرودگاه است که تحت نظر شهر - بانی انجام وظیفه نماید .
- ۶ - ساختمانهای دولتی که فعلاً در تصرف سپاه پاس - داران می باشد به موسسات مربوطه مسترد گردد .
- ۷ - محل باشگاه افسران که فعلاً جا بجا سپاه پاسداران است کما فی السابق (بصورت اولیه قبل از انقلاب) بعنوان باشگاه افسران مورداستفاده قرار گیرد .

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۲

انتخابات ریاست جمهوری ۰۰۰

رغبتی به شرکت در این انتخابات نشان نمی - دهند و اظهارات صریح برخی از روحانیون عضو شورای انقلاب و رهبران حزب جمهوری اسلامی نیز که علناً عدم شرکت خود را در این انتخابات اعلام داشته‌اند، دال بر این مسئله است. در واقع روحانیت می‌کوشد که بیشتر نقش "کنترل کننده" را در رژیم جمهوری اسلامی آینده بازی نماید تا شرکت مستقیم در بالاترین ارگان‌های اجرایی همچون ریاست جمهوری. این مسئله که بظاهر هر گنگفت آوری بنظر می‌رسد، مبین این واقعیت است که روحانیت، که با به‌اصطلاح توده‌ها نسبت به هیئت حاکمه کتونی بوده و خواهد بود، میکوشد تا از طریق گرفتن درآماج مستقیم حملات جنبش انقلابی توده‌ها، که هر روز بیشتر تراها اعتلا و گسترده‌گی را می‌پیماید، دوری جوید و با ایفای نقش "کنترل کننده" یا به‌های این توهم و اقتدار را کماکان حفظ نماید و قدرت ما نور را در برابر فشار جنبش انقلابی دا شته‌ها بشود. چرا که تجربه همین ۹ ماهه و اثبات کرده است، آگاهی افزایش یافته توده‌ها و رشد اعتلای انقلابی جا معده و متقابلاً عدم توانایی رژیم در پاسخگویی به احتیاجات اولیه و خواسته‌های سر حق و عادلانه توده‌ها، خیلی زود می‌تواند آنها را در برابر رژیم جمهوری اسلامی قرار دهد و اولین کسانی که بطور مستقیم در معرض این تصادمات قرار داده و در مسیرتها جمع‌بندی انتخاباتی قرارخواهند گرفت، همان ارگان‌های اجرایی رژیم و بخصوص ارگان‌های بالائی آن یعنی ریاست جمهوری اسلامی و کابینه دولت می‌باشد. تجربه دولت بازرگان و رسوایی‌های اخیر "هیئت آزاد دی" و عتاروا بسته‌ها آن، که "قریبانی" تخدهای جناح بندی درونسی هیئت حاکمه و حفظ منافع کل قدرت سیاسی شدند، نمونه‌ای از این "درس"های آموزنده برای روحانیون سپهدر قدرت است. این رسوایی که سندخیا نه‌ت این جریان و نیز کسل هیئت حاکمه را بخصوصی در طی دوره ۹ ماهه قدرت گیری آن نشان می‌دهد، بدانجا کشیده که حتی بازرگان، رهبران جریان را مجبور به عدم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نمود.

البته این امکان "کنترل و نظارت نیز از قبیل وبا تصویب اصل "ولایت فقیه" در بالاترین سطوح خود به پیش بینی شده است. بطوریکه حتی کاندیدهای ریاست جمهوری نیز با یدای زامانی "ولایت فقیه" گذشته و قبل از اعلام رسمی اسمی آنها مورد تأیید آیت‌الله خمینی قرار گیرند! ("آزاد بودن" انتخابات ریاست جمهوری، در منطق هیئت حاکمه نیز این چنین است!)

سوم اینکه، با توجه به نکات فوق بنظر می‌رسد هیئت حاکمه پیش از همه و برای حفظ موقعیت و اعتبار خویش، در این بحبوحه رسوایی بی دردی عنان سران، دست روی عناصری بگذارد که تاکنون بدلیل دوری از دایره اصلی قدرت اجرائی و سیاسی و روشن شدن ماهیت آنها توانسته‌اند اعتبار و موقعیت سیاسی خویش را حفظ نمایند و در میان توده‌ها، هنوز "پرونده" تیرو تار نداری ندارند. در این میان **بینی صدر** این بورژوازی "عاقل" و "واقع بین" که "راه حل‌های جدید و بظهوری برای نجات سیستم بهم پاشیده کنونی و نجات هیئت حاکمه در کیسه

دارد! - از ناس بیشتری برای موفقیت بر - خورد راست و احتمالاً جناح‌های قدرتمند رژیم نیز بر روی او انگشت‌خاوندگذاشت. حمایت‌های اخیر برخی بلوک‌های وابسته به روحانیت (هم - چون جامعه روحانیت مبارز تهران) بر جنبش واقعی دلالت دارد.

توده‌ها، هدفی جز استقرار نظم و ارتجاع سرما به - داری، که بدلیل دفاع از سرما به به‌ناگزیر اساس وابستگی را حفظ خواهد کرد، نخواهد داشت. این مانع دولتی مانده همیشه خواهد کوشد، تا نظام طبقه‌ای سرما به داری وابسته را با جرح و تعدلاتی در آن، قوام بخشد و خود به

● **سرکت در چنین انتخاباتی بقصد "دموکراتیزه کردن" آن، بی‌بازی گرفتن منطق طبقه‌ای، فریب توده‌ها و روی گرداندن از انقلاب، به‌مثابه ابزار اصلی کسب قدرت سیاسی و بهبودی واقعی وضعیت زحمتکشان جامعه است.**

اما موضع کمونیست‌ها و سایر نیروهای انقلابی در برابر "انتخابات" چه باید باشد؟

از نظر ما، وظیفه آنها در یک کلام، طرد و انشای این انتخابات - انتخاباتی که بمنظور تثبیت یک رژیم ضد خلقی و ارتجاعی صورت می‌گیرد می‌باشد و نه چیز دیگر!

اصولاً مسئله شرکت یا عدم شرکت کمونیست‌ها در انتخابات دستگا دولتی بسک رژیم طبقه‌ای معین، مسئله است که در درجه اول و پیش از همه، به تحلیل آنها از ماهیت طبقه‌ای و سیاسی آن دولت، که قدرت سیاسی را در اختیار خود قرار داده است، دارد و در درجه بعد، مسائل از قبیل، وضعیت جنبش توده‌ها، معادلات و تناسبات نیروهای سیاسی و طبقه‌ای در جامعه، وضعیت حاکم بر جنبش کمونیستی و نیروهای وابسته به آن و... مطرح می‌شوند که اتخاذ تاکتیک صحیح از جانب کمونیست‌ها، در برتوارزیسی دقیق و همه‌جا نه از مجموع آنها میسر می‌شود.

تاکتیک شرکت از "بالا" در دولت‌هایی که بطور کامل در بلوک ارتجاع و ضد انقلاب قرار دارند و بدلیل نیروهای مسلط بر آن دارای ماهیت ضد خلقی اند، **هوا رده و در هر شرایطی از نظراصولی ناصحیح و ضدما رکمیستی است**. رابطه توده‌های خلق با چنین رژیمی یک رابطه آنتی - ناپذیر است. منطق پرولتاریا و زحمتکشان جامعه در قبال چنین حکومتی، منطق تشدید مبارزه طبقه‌ای، بمنظور درهم کوفتن و بیسرون راندن آن از این صحنه مبارزه است.

رژیم کتونی ایران، بنا بر ماهیت طبقه‌ای ضد خلقی و ارتجاعی خود - همچنانکه در گذشته نشان داده ایم - نمی‌تواند از دایره عملکرد چنین "املی" برکنار باشد و ما از این روس که شرکت در ارگان‌های **اجرائی دولت** - تحت هر انگیزه و منظوری - بهیچ روی جایز و اصولی نمی‌باشد. بیشتر توضیح دهیم.

خیمه شب‌بازی انتخاباتی هیئت حاکمه برای انتخاب رئیس جمهور رژیم سیاسی آینده ایران، همانند تمام رژیم‌های ارتجاعی در پی رسمیت بخشیدن و قانونی کردن نهادی است که از نظر طبقه‌ای حاکم برای پیشبرد هدفهای طبقه - تیشان است. و این نهاد با توجه به ماهیت نیروهای حاکم و سیستم اقتصادی اجتماع - ایران، نهادی خواهد بود با ماهیت بورژوازی که در هاله‌ای از روپناهای نظامات کهنه، ارتجاعی و عقب مانده همچون "ولایت فقیه" پوشیده شده است. این نهاد با ماهین دولتی، علیرغم تمام‌های پوی فریبکارانه بورژوازی و خرده - بورژوازی مرفه‌سنشی، دایر بر "دفاع" از منافع

سنگردفاع از حقوق طبقات استعمارگر و ارتجاعی در برابر توده‌های زحمتکشان تبدیل گسردد. "بورژوازی قدرت دولتی را به‌مثابه ابزار در دست سرما به‌دارها سر علیه پرولتاریا و سر ضد تمام مردم زحمتکش بکار می‌برد. این حالت در اغلب جمهوری‌های دموکراتیک بورژوازی مصداق داشته است. فقط در آخرین سه‌ماهه رکیم این رفتار موش می‌کنند". (لنین، "انتخابات مجلس موسسان و دیکتاتور پرولتاریا، ص ۲۵)

هیچ دولتی وجود نداشته است که بهر طبقه یا طبقه‌ای را بر خوند داشته‌باشد. تئوری دولت "ما قوی طبقات" - چه این دولت در سواترین شکل خود دفاع از منافع طبقات ستمگر سپردارد و چه در هاله‌ای از دموکراسی بورژوازی و یا قدیست مذهبی بونا نده شده‌باشد - اکنون دیگر اساس‌های بس نیست و طرح آن فقط برای پوشاندن ماهیت طبقه‌ای "دولت‌هاست که از سوی ارتجاع حاکم و با فریبکاری را نیرنگ با صورت می‌گیرد.

حتی "دموکرات" ترین حکومت‌ها ی سرما به‌داری نیز بر اسلحه و جاکمیت بورژوازی صاحب قدرت است که قدرت ارتجاعی خویش را در طریق ترس و بسجده نرسن اسکل حاکمیت خود، اعمال می‌کند.

راسله توده‌های زحمتکش و حلعه‌ها اساس ما سن دولتی و ابزار طبقات ستمگر و ضد خلقی رابطه‌ای است که میان طبقات ستم‌دهنده و انقلابی با طبقات ارتجاعی و ستمگر وجود دارد. رابطه‌ای که بر اساس آن وجود یکی در تنی دیگری و جاکمیت یکی در سرکوب دیگری معنا می‌دهد و اساس منطق همسنان ریخ و مبارزه طبقه‌ای در برابر رژیم - های ارتجاعی بوده است.

کسب قدرت سیاسی بوسله توده‌ها، به‌ار طریق جسده‌های به اصطلاح دموکراتیک که بد و سله رژیم‌های ارتجاعی، برای فریب توده - ها و تاملین حاکمیت خود، در برابر آنها می - گشایند، تا بدین طریق موجودت خود را اسی سازند، بلکه از طریق نابودی شهری اساس دستگا طبقه‌ای، از طریق درهم‌شکستن اساس ماشین‌های دولتی - حتی "دموکراسی" ترس نوع آنها امکان نذرمسراسر است. و سله حسین کسب قدرتی سیرجسی **جرا تقلاب سست!**

دل سستن به‌اسکله از طریق سرکوب در انتخابات رژیم‌های بورژوازی، پرولتاریا بوده‌های زحمتکش نتوانند. قدرت سیاسی خویش را برقرار سازند، سعی از طریق کسب اکثریت آرا در انتخاباتی که در سله‌ها کسب رژیم‌های سرما به‌داری و ارتجاعی صورت می‌گیرد، قدرت دولتی را بخود اختصاص دهند، و دولت‌های ارتجاعی را بکنار نهند، فریبی است



که همواره از جانب بورژوازی و نمایندگان آن شکار رویتان آنها را جمله ریزبونیستها در ذهن توده‌های مردم آفاق می‌شود.

چاره پرولتاریا و توده‌های زحمتکش برای کسب قدرت سیاسی، انقلاب است، انقلاب دولتی که در طی آن قدرت سیاسی و ماسک‌های دولتی طبقه ارجاعی، و تمام نهادهای دربار و نهادهای مرموز و مرموزگرا تیک آنها در هم نکتسه‌دهی و نهادهای سیاسی و انقلابی ای که به مسامحه ننگه‌ها شین دولتی پرولتاریا و دیگر اقشار خلقی را کوره انقلاب سربزآورده است جا بگیرد آن می‌شود دولت طبقه انقلابی جامعه، یعنی جمهوری دموکراتیک خلق را که تحت رهبری پرولتاریا قرار دارد در دوره سوی انقلاب سوسالستی دارد، مستقر می‌سازد.

پرولتاریا در صورتی می‌تواند انقلاب را به پیروزی رساند که اکثریت توده‌های زحمتکش جامعه را طرف خود جلب نماید و در زیر رهبری خود قرار دهد. اما بدون شک این جذب و جلب، از طریق بدست آوردن آراء اکثریت، در انتخاباتی که تحت سیطره و حاکمیت بورژوازی صورت می‌گیرد، بدست نمی‌آید، بلکه از طریق برانداختن بورژوازی و ماسک‌های دولتی او، از طریق درهم شکستن همین ارگان‌های انتخاباتی بظا هر دموکراتیک و برقرار کردن قدرت شورائی توده‌های زحمتکش، و سپس بر آورده ساختن حواش فوری و صوتی رحمتکشان شهروروستا و خلقهای تحت ستم و سبکدوشی به مبرم‌ترین نیازهای زندگانی آنها، از همان فردای پیروزی، بدست می‌آید. هرگز این قانون اساسی هر انقلاب را فراموش ننماید، ماف و ساده اگر شایدا دنیا شد، یک ساده لوح پیش نیست.

انتخابات ریاست جمهوری، که اکنون در شرف انجام است، نیز از این قاعده مستثنی نیست. رئیس‌جمهور منتخب، هر کسی که می‌خواهد باشد، مجری قوانین و بر نهادهای است که منافع و احتیاجات طبقه‌ای ارتجاع حاکم که تیلور آن را در قانون اساسی دست بخت مجلس خیرگان شاه دیده‌ایم، بر آورده می‌سازد و نظم سرمایه‌داری وابسته را علیرغم ایجاد تعدیلات و تغییرات محدودی در آن، حفظ و مستقر می‌کند.

شرکت در چنین انتخاباتی، (که در سایه یک رژیم ضد خلقی برگزار می‌شود) به قصد "دموکراتیزه کردن" آن، به بازی گرفتن منطق طبقه‌ای، فریب‌دهنده و وریگردانیدن انقلاب بهمانه‌ای برای اصلی کسب قدرت سیاسی و بهبودی واقعی وضعیت زحمتکشان جامعه است. بویژه آنکه جامعه در مسیری قرار گرفته است که اعتدالی انقلابی نوینی را نوید می‌دهد، اعتدالی نوینی که کشتی پیوسیده و ترک برداشته رژیم را با شتاب فزاینده‌ای به سمت گرداب‌های هولناک آینده سرازیر می‌سازد.

بدون شک شرکت در این انتخابات را با شرکت در انتخابات موسسات و ارگان‌های چون مجلس موسسان یا مجلس خیرگان و حتی مجلس نورای ملی نمی‌توان مقایسه کرد. شرکت در موسسات نوع دوم، که کمونیستها در شرایط معیّن و با حرکت از موقعیت جنبش توده‌ای و منافع پرولتاریا بدان اقدام می‌ورزند، شرکتی است

برای استفاده از آن بهمانه‌یک تریبون افشاگری و نزدیکی به توده‌ها از طریق افشای تمامی نظامات حاکم و خود آن نهادهای که کمونیستها در آن شرکت جسته‌اند. این شرکت بهیچ وجه قصد بدست آوردن کرسی‌های پارلمانی برای سهم‌شدن در قدرت سیاسی را دنبال نمی‌کند. کمونیستها و نیروهای انقلابی باید بمنظور آگاه کردن توده‌ها، افشای رژیم و نفی حاکمیت سیاسی و اجتماعی آن، در شرایط معیّن در پارلمان‌های بورژوازی، به روشنی که می‌خواهد باشد، شرکت جویند. و این عمل را چه در خلال انتخابات و چه در خود پارلمان انجام دهند. روشن است که آنها در اینجا نیز مبارزه طبقه‌ای را نه تنها محدود به این عرصه پارلمانی نمی‌کنند بلکه به آن بعنوان عرصه فرعی مبارزه نگاه می‌کنند. آنها این شکل از مبارزه را تابع آن شکل مبارزاتی که در عرصه‌های اصلی مبارزه طبقه‌ای جریان دارد می‌نمایند و لاغیر، شرکت در انتخابات ارگان‌های اجرایی دولت بورژوازی - منجمله همین انتخابات ریاست جمهوری - بهیچ وجه خلعت شرکت در ارگان‌های فوق را نداشتند و شرکتی است از "بالا" که تنها توهّم توده‌ها را نسبت به رژیم طبقاتی حاکم، افزایش داده و ذهن آنان را نسبت به طریق کسب قدرت سیاسی و انقلاب کور می‌نماید.

همانطور که گفتیم، تمام توضیحات فوق در بر شو تحلیلی ما از ماهیت رژیم سیاسی کنونی - که بدیده‌ها یا هیبتی ضد خلقی و ارتجاعی دارد - معنا می‌دهد. طبیعتاً، آندسته از نیروهای که در تحلیل‌های خود از رژیم کنونی ایران، دارای ارزیابی‌های راست‌روانه‌ای هستند و این رژیم را رژیم مترقی و ملی و پویا می‌دانند، در تاکتیک‌های خود نسبت به این انتخابات و اصولاً شرکت از "بالا" در چنین رژیم‌هایی نیز به انحراف خواهند افتاد. و دلایل "قانع‌کننده" ای برای این شرکت خود را نخواهند داد.

بنابراین این سؤال مطرح خواهد شد که آیا اصولاً شرکت از "بالا" در چنین رژیم مترقی و ملی، که دارای جنبه‌های خلقی است، می‌تواند صحیح باشد یا نه؟ پاسخ ما این است، که چنین شرکتی از نظراً اصولی ناصحیح نیست، اما مجاز بودن کمونیستها در عمل، برای چنین شرکتی، بسته به مجموعه عواملی است که در سطوح پیشین بطور کلی آنها را بر سر می‌دیم.

میزان و قطب‌نمای شرکت کمونیستها در چنین دولت‌های ممالح و منافع پرولتاریا است. و اینکه تا چه حد چنین شرکتی می‌تواند، به بسیج پرولتاریا و توده‌های زحمتکش، به منظور پیشبرد مبارزات انقلاب اجتماعی، نزدیک کردن آنها به کمونیستها، دفع واقعی تشبیهات ضد انقلابی نیز و راهی ارتجاعی و دموکراتیزه کردن واقعی سیستم سیاسی موجود و... باری رساند.

در چنانچه چنین شرایط و امکانات مساعدی در چنانچه چوب‌این رژیم مترقی وجود داشته باشد، با نظر داشت مسئله اساسی ضرورت حفظ استقلال سیاسی و طبقاتی پرولتاریا، کمونیستها چنین شرکتی را مجاز می‌شمارند.

تجربیات تاریخی جنبش کمونیست - جهانی، و احکام مارکسیسم - لنینیسم و به خصوص آموزش لنین کبیر، بر صحت چنین امری

دلیل دارند. و رود حزب کمونیست چین بدون حزب مترقی "کومین تانگ" در فاصله سالهای ۲۷ - ۱۹۲۵، و از این طریق شرکت در دولت انقلابی تحت رهبری آن در آن زمان، تا کتیک صحیح بود که این حزب، از موضع منافع پرولتاریا بدان دست یازید. و نتایج حاصله از چنین شرکتی نیز که بر آن توده‌های وسیع دهقانان و پرولتاریا به سمت این حزب جذب شدند و همچنین عناصر و نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی به میزان زیادی از دستگاه دولتی طرد و رانده شدند، صحت چنین تاکتیک را به ثبوت رساند. احتجاجات تئوریک لنین در رساله "دو تاکتیک"، بمنظور اثبات صحت تاکتیک شرکت در "حکومت انقلابی موقت"، که ما هیبتی بورژوازی - دموکراتیک داشت، نیز بخوبی نشان می‌دهد، که چنین شرکتی از نظر اصولی صحیح است و فقط مجاز بودن آن در عمل محتاج رعایت شروط دقیقی است که صرف نظر از ما بدون برخی از آنها، (منجمله ضرورت حفظ استقلال پرولتاریا) مابقی، به ارزیابی ما از شرایط مشخصی آن جامعه بستگی دارد، شرایطی که تعیین دقیق آنها از پیش بهیچوجه میسر نیست.

جای بحث در این مسائل تئوریک همیشه باست، اما اکنون وارد شدن در این بحثها که آیا شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در عمل مجاز است یا نه، در حالیکه ما هیبت ضد خلقی رژیم و تهی بودن آن از هرگونه جنبه مترقیانه‌ای، بر اصل چنین شرکتی خط بطلان کشیده است، مباحثاتی است مجرد و از شرایط صرفاً در عرصه تئوریک. ما هیبت ارتجاعی رژیم کنونی، جای هیچگونه بحثی بر سر شرایط و چگونگی شرکت در "انتخابات"، و مجاز بسودن یا نبودن آن در عمل، برای ما مابقی نمی‌گذارد. افشاء و طرد چنین انتخاباتی، بعنوان یک اصل، از پیش بر ما معلوم است.

کمونیستها در اینجا نیز وظیفه دارند، چون همیشه اقدامات و حرکات رژیم را، که در جهت قانونی کردن و تثبیت حاکمیت اش، صورت می‌گیرد، افشاء نموده و توده‌ها را از دل بستن به چنین انتخاباتی بر حذر دارند. و به آنها توضیح دهند که کسب قدرت سیاسی، در چنین رژیم‌هایی تنها از طریق انقلاب اجتماعی، در هم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و استقرار ماشین دولتی پرولتاریا و زحمتکشان امکان پذیر است. آنها باید توضیح دهند که نتایج انتخابات با ریاست جمهوری، هر چه که باشد، هیچ شمری بحال توده‌ها نخواهد داشت و تنها میزان سهم - بری این یا آن بخش از بلوک‌های ارتجاع و ضد انقلاب را از قدرت سیاسی، تعیین میکند، آنها باید توضیح دهند که رئیس‌جمهور آینده، مهره‌ای است که وظیفه استقرار نظام ارتجاع، حفظ و دفاع از اساس سیستم سرمایه‌داری و ایستادگی و قوانین ارتجاعی ای همچون ولایت فقیه و بالاخره مقابله با خواستهای واقعی کارگران و زحمتکشان و مبارزات عادلانه آنها را بهیچوجه خواهد گرفت و نه چیز دیگر. از این رود بستن به نتایج این انتخابات جز فرو افتادن در دام‌های فریبکارانه‌ای که هیبت حاکم برای تحکیم موقعیت سیاسی و اجتماعی خود می‌گستراند، چیز دیگری نخواهد بود.

بقیه از صفحه ۳ را همبنا می...

در ضمن راهیما می یکی از کارگران مبارز
سندیکا از فعالیت های چند ماهه سندیکا برای
حاضرین گزارشی ارائه داد. در طول مسـ
مردم مرتباً به تظاهرات هرگزندگان می پیوستند.
سرا نجا مصوف راهیما میان به مقابل
سینما رکی آمان رسیده و به احترام شهیدان
سینما رکی یک دقیقه سکوت اعلام شد و سپس
قطبنا مه راهیما میان قرائت شد. در پایان
کارگران و سایرین هرگزندگان با شعار:
"مرگ بر آمریکا" متفرق شدند.

در قسمتی از قطبنا مه کارگران پیروزی
آمان و حومه آمده است: "هرجا که میربا لیم
آمریکا هست درهما نجا نیز میربا لیم رزه صدر
هست، چه میربا لیم رزه صدر میربا لیم رزه صدر
ارتجاعی جدا نیست. مبارزات آزادیخواهان
خلفهای و بستنام، لائوس، فلسطین، طغارو...
نشان دهند این قاعده اند.

۱. بنگ که میربا لیم آمریکا به ما به دشمن
شماره یک در مقابل ما قرائت را رد و جیبش

امیربا لیمستی توده های زحمتکش در اعلا ست
ما با پیدا زتجا رب تاریخی درس بیا موزیم و
قاطعا تویسی امان و پیگیری و بطور خستگی نا پذیر
بدون درنگ بقطع کلیه مناسبات اقتصادی،
سیاسی، فرهنگی و نظامی با آن بپردازیم و تا
زمانیکه این امر تحقق نگردد این مبارزه به
فرجا منخوا هد رسیده و بیشترین فشار را برگزیده
ما زحمتکشان و اردخوا هندا و ردویکی از عوام
عمده ای فرهنگی، فقر، بیماری و بیکاری و
تهیدستی و کلیه مظاهر عقب ماندگی را در وجود
این بیکرجهانخوا ر میدانیم.

ما کارگران پیروزی که بخشی از زحمتکشان
این جامعه هستیم و ما لیا زیرستم و استعمار
شدید شرکتی چندملیتی غاصب و سرمایه داران
وابسته و کارگران داخلی را در اختیار گرفته ایم
با درک رسالت تاریخی خویش با ردیگر اعلام
میکنیم تا قطع کلیه روابط و مناسبات بسا
امیربا لیم آمریکا از یای نخوا هم نشست و
معتقدیم تا امیربا لیم در ایران نفوذ دارد
بحران بیکاری و عقب افتادگی نیز وجودخوا هد
داشت و حل بحران و ایجا دکا رد و گرو قطع کا مل

وابستگی با امیربا لیم آمریکا میباید شد.
کارگران زحمتکش پیروزی آمان و
حومه در ضمن قطبنا مه ۱۵ ماده ای خودخوا ها ن
مما دره کلیه اموال سرمایه داران وابسته به
شرکتی امیربا لیمستی و در آمان آمریکا به
نفع زحمتکشان، افتا کلیه قرائت ده های میربا
یا لیمستی و لغو آنها، لغو قانون کار و ردیگر
رژیم سابق و تدوین قانون کار جدید با شرکت
نمایندگان واقعی کارگران، تا مین حقوق
بیکاری، آزادی کلیه کارگران زندانی که
برای احقاق حق خود و سایر کارگران زندانی
شده اند و در ضمن آن همچنین از خواسته های برحق
و ضدا میربا لیمستی کارگران شرکت نفت لاوان
(لایکو) سیریب، ریمینکو، بان آمریکین، سوئیر
ان و شرکتی حفاری نفت که خواهان ما دره
ملی شدن شرکتی میباید شد و از خواسته های کلیه
کارگران بیکار پیروزی، سراسر ایران و از
خواسته های عادلانه و برحق خلفی شمدیده
ایران که خواهان حق تعیین سرنوشت خویش
هستند، اعلام پشتیبانی و همبستگی کرده اند.
بنقل از ضمیمه محلی (کمیته خوزستان) شماره ۶

بقیه از صفحه ۱۶

آمده اند و حالا انما سندها سا با کارما پیش
معاون وزیرکار رفته اند. وی اما نه کرد بسا
وجود سکه بلوری صاحب کارخانه قلا سنا تون
بوده و طرفدارها، همبنا می چرا دولتی که
ادعا میکند می زحمتکشان است با زهم از او
طرفداری میکند، به و گفت: اصل، عمل دولس
است نه حرفها یی، این همان دولتی است که
از سرمایه داران فراری دعوت میکند که دوباره
برگردند و سرمایه گذاری کنند. این همان دولتی
است که به تحن وظا هرات کارگران حمله
میکند، بنا بر این اتفاقی نیست اگر این
دولت از بلوری ها حمایت میکند، این دولت یک
دولت سرمایه داری است و طبیعی است که از
آدمهای مثل بلوری طرفداری کند. در ایمن
موقع نماینده ها از وزارت کار برگشتند،
نا راحت و گرفته، یکی از آنها گفت: جلسه میما
گفتند که سورا انقلاب دستور داده است که از
۱۵۰ تومان بیشتر حق مسکن ندهد، کارگری که
قلا با او صحبت کرده بودم سه بقیه کارگران گفت.
برویم سورا انقلاب، بقیه هم حرف او را تأیید
کردند. موقعی که دست میرفت سورا سوریس شود
به او و گفت: اگر حالا نتوانستید نتیجه خوبی
نگیرید نا راحت نباشید، فقط سعی کنید هر چه
بیشتر به سوریس همبستگی خودتان منگی باشید
در ضمن وقتی سورا انقلاب خودش قوانین را تصویب
میکند دستور داده که حق مسکن را زیاد نکنند
پس چرا با زبده و مرا جعه میکنید. کارگر گفت:
تا بدحالی از او عاجز، خبر بدشته باشد، گفتم:
علتی این نیست که سورا انقلاب خبر ندارد،
علت اینست که طرفدارها می سرمایه داران است.
کارگر در حال سورا رسدن به سوریس با نا بسا و ری
بمن نگاه میکرد، هنوز به دولت میداد و ریود.
موقعی که خواستم از او جدا سوم، گفتم: دور نیست
آن موقعی که کارگران، دوستان و دشمنان واقعی خود
شان را بشناسند، آنوقت کاری خواهند کرد، کارستان!

از کارگران بیکار پلی اکریل (اصفهان) متحصن در اداره کار حمایت کنیم

برادران کارگران

حدود ۱۲ روز است که عده ای از کارگران
مبارز پلی اکریل در اداره کار متحصن شده اند
این برادران کارگر که از بعد از قیام بهمن ماه
بیکار شده اند، تا کنون هیچگونه جواسی از
مقامات دولتی دریافت نکرده اند. اکنون نیز
بعد از ۱۲ روز متحصن در اداره کار و مقامات دولت
هیچگونه توجهی به خواسته های آنها نکرده و تنها
روز اول تحن یکی از مقامات اداره کار
اصفهان به کارگران گفته است که: "من
هیچگونه مسئولیتی در قبال شما ندارم."
خوب میدانم که بیکاری شتری است که در
خانه همه ما خواهد بود. بیکاری دردی است
که دیرباز زودا سنگیر همه ما خواهد شد. همین چند
روز قبل بود که نیمی از کارگران شاغل شرکت
فلورا خراج شدند و بقیه هم بزودی به همین
سرنوشت دچار خواهند گشت. همه ما کارگران شاغل
نیز با بستی در انتظار رنجین سرنوشتی باشیم.
برادران کارگران! همان مقام اداره کار
حرف خوبی گفت، آنها در قبال ما هیچگونه

مسئولیتی ندارند. و این خود ما کارگران هستیم
که در مقابل بیکاری مسئولیم، ما هستیم که بسا
حمایت و پشتیبانی قاطع از مبارزات برادران
کارگران را میتوانیم به خواسته های برسیم.
بدین جهت از آنجا که این برادران متحصن ما
به تنهایی نمیتوانند به خواسته های برحق خود
که ایجا دکا رود دریافت غرامت بیکاری است،
برسند و وظیفه کلیه برادران کارگر که در هر چه
شاغل است که از خواسته های برحق کارگران
متحصن "پلی اکریل" حمایت کنند و این وظیفه
بیشتر از هر کس بردوش ما کارگران شاغل پلی -
اکریل است که از خواسته های حق طلبانه برادران
ان کارگران حمایت نمائیم. با حمایت
قاطعانه خود از مبارزات حق طلبانه کارگران
پلی اکریل متحصن در اداره کار را با حیلله های
سرمایه داران که کارخانجات را یکی پس از
دیگری تعطیل میکنند مبارزه کنیم.

گروهی از کارگران پلی اکریل

۵۸/۱۰/۹

بقیه از صفحه ۲۰

با زهم جنایت...

کارگران بودند و بستگان قاتلین که حاضر شدند
برای تبرئه آنها یک میلیون تومان بپردازند
از فتودا لیا "روزنامه ما" (۱۵ دیماه) و
جالبست این استدلال را کما نمی میکنند که در
بسیاری نقاط کبسته ها یثا ن زیر نظر آنها و
فتودا لیا "راه می شود" بنا بر این "کمیته
مرکزی انقلاب اسلامی" با چنین استدلال نمیتواند
خونپا ک این شهیدان را لو ت کند و خلق خا طره
فرزندان شهید خود را گرامی خواهد داشت و
مبارزه خود را بر علیه امیربا لیم و ارتجاع بیش
از پیش شدت خواهد بخشید.

بقیه از صفحه ۲ دهقانان مبارزان...

"امیربا د" تا مس بگیرد تا ضمن انتقال تاجر -
بیات مبارزاتی و کمک به یکدیگر، متحداً
توطئه های مالکین را درهم بشکنند.

۶- همیشه این را بخاطر داشته باشید که
حفظ و نگهداری کامل دستاوردهای مبارزاتی
و انقلابی شما، رسیدن به آزادی، رفاه و ترقی
واقعی، ممکن نخواهد شد مگر با یکنه در اتحاد
مستحکم و پایداری که با کارگران و سایر زحمت -
کشان شهری برقرار می کنید، امیربا لیمستی
و بخصوص امیربا لیم آمریکا و عوام مل دا خلی
آنرا درهم کوبید و حکومت واقعی کارگران،
دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش را برپا دارید.

کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میباشند

گزارشی از تجمع و راهپیمایی کارگران بیکار تهران

طبق دعوت نامه‌ای که قبلاً از طرف هیئت موسس اتحادیه کارگران پروژه‌ای پخش شده بود کارگران بیکار ساعت ۹ صبح در جلوی خانه کارگر جمع شدند.

از همان ابتدا بین کارگران بحث‌هایی مبنی بر اینکه چکار باید کرد و کجا باید رفت، شروع شد.

طبق دعوت نامه قبلاً تصمیم گرفته شده بود که کارگران بوزارت کار رفته و نمایندگان آنها بدون مذاکره با عمال وزارت کار، از آنها بخوانند که به خواسته‌های کارگران جواب دهند لیکن عده‌ای از کارگران معتقد بودند که نباید به وزارت کار رفت زیرا طی چند ماه گذشته و بخصوص طی چند هفته اخیر، مقامات وزارت کار نشان داده‌اند که نه تنها نمیخواهند به خواست کارگران رسیدگی کنند، بلکه میخواهند با پاس دادن به این طرف و آن طرف کارگران را آلت دست خودشان قرار دهند. این عده معتقد بودند که دولت حامی سرمایه‌داران وابسته، حتی حاضر به زگردن در خانه کارگر نشده و از این طریق مانع جمع‌آوری اسامی کارگران بیکار شده است. وقتی این سرسپردگان حاضر نیستند به کوچکترین خواست کارگران جسی در حرف قول مساعده دهند، چگونه میتوان با زهم به امید مذاکره با آنها نشست و دنبال آنها دویید. یکی از این کارگران می‌گفت: "بعلت این که تاکنون جوابی به ما ندادند، ما با بسد از طریق مبارزه فعال در بین زحمتکشان تشکیلات واقعی خود را بوجود آوریم. تشکیلات ما در صورتی بوجود خواهد آمد که ما مبارزه فعال و مبارزه‌ای که مطابق با شرایط فعلی و مرحله فعلی باشد انجام دهیم. دیگر ما نباید مثل سابق در حد مذاکره با مقامات و تظاهرات محسوس و فعالیت کنیم، بلکه باید از طریق راهپیمایی در مناطق زحمتکشان، مبارزه‌مان را هر چه فاعلتر کرده و تنوع وسیعتری را جلب کنیم. حرف‌ها و خواسته‌هایمان را به تنه‌ها گفته‌ایم، شیم تنها بتوانیم همکاران را متشکل کرده‌ایم و شیم هم تعداد کارگر بیشتری جلب نمائیم و با قدرت بیشتری با مقامات روبرو شده، خواسته‌هایمان

را مطرح کنیم ..."

در همین رابطه عده‌ای از کارگران صحبت کردند. یکی از کارگران معتقد بود که کارگران باید در عمل اقدام به مبارزه نمایند و با لیستی نمایند و با رمانها و خانه‌های سرمایه‌داران بزرگ و وابسته، اموال آنها را مصادره کنیم و فقط در حرف در خیالان شعار مری برای مری بسم ندهیم.

در مقابل، عده‌ای از کارگران معتقد بودند که در حال حاضر کارگران آمادگی این را ندارند که به سمت جنوب شهر مناطق زحمتکشان تظاهرات کنند، بلکه با زهم با بدست وزارت کار راهپیمایی کنند و خواهسته‌های خود را از مسئولین بخواهند. این کارگران معتقد بودند که با سر ترتیب کارگران در مقابل وزارت کار قرار نخواهند گرفت و آگاهی سیاسی شان بالا خواهد رفت. کارگر دیگری معتقد بود که ما از اعمال دولت خواهسته‌هایمان را تقاضا نمیکنیم بلکه با زور و فشار متحصن از آنها خواهیم گرفت.

کارگر دیگری از دسته اول در جواب معتقد بود که: "... در شرایطی که کارگران سکار و خانواده‌شان در فصل زمستان در بدترین شرایط زندگی میکنند، در حالیکه کارگران دیروز کار میتوانستند دست‌فروشی و دوره‌گردی و ... لقمه‌هایی بدست آورند، امروز با این هوای سرد اینها هم ز دست داده‌اند، و مهمتر از همه در شرایطی که مثل روز روشن می‌بینیم که مسئولین وزارت کار نمیخواهند هیچگونه جوابی بمانند بدهند، آیا با زهم کارگران را بدستمال اینها کشاندن چه معنی است؟ کارگران را در خوس با وری قرار دادن معنی‌ها؟ مگر اینطور نیست که کارگرانی را که واقعا مبارزه ضد امپریالیسم میکنند، مارکا، هلالکرو ضد انقلابی با آنها میزنند؟ ..."

در ساعت ۱۰ بود که کارگران سکار و کرج نیز بطور متشکل به صف کارگران سکار تهران پیوستند و در این هنگام شعار "اتحاد، اتحاد، اتحاد" کارگران اتحاد سرداده شد.

بعد از آمدن کارگران نیکاکرج، کارگر-ان به سمت خاتمه دادند و مطابق فرار قبلی سمت

وزارت کار راهپیمایی کردند. کارگران در حرکت شعارهای: "زن و سجد گرسه سرش همیشه مسئولین و استه‌حرف سرش همیشه، بگفتند با زرگان کارگران بیکار سرزده انقلابند، با زرگان سا رنگا همراه‌ها رودسته‌ها، توضع انقلابی - آمریکا، ارتجاع دشمن خلق ما و ... داده شد. بعد از گذشتن از میدان انقلاب، طبیی معمول عده‌ای مزدور جیر شده به همراه عده‌ای نا آگاه دیگری با کارگران حمله کردند و شعار - های "حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله" اسلام پیرو است، کمونیست نابود است و ... میدادند. اما کارگران جانانه مقاومت کردند و به راهپیمایی ادامه دادند.

در جلو وزارت کار، فرار رسد نما سندگان بدون هیچگونه مذاکره‌ای از مسئولین سخواهند که در خواهسته‌های آنان را پاسخ دهند. لیکن عملاً مذاکره با آنها بحمل سد آنها بدون هیچگونه نتیجه‌گیری بارگشتند. مسئولین وزارت سرمایه در زمینه سخواسته‌ها آنها جسی پاسخ دادند:

- کار با بجا دخواهم کرد!

- بیمه‌درمانی ما مربوط نیست! به وزارت سهداری مربوط میشود.

- حقوق بیمه‌سکاری برای ملک‌ریان آور است، چرا که بدون کار ریول سراح کردن، موجب تورم میشود. (اسی مزدوران آمانی- دانند که کم کردن اسود سرمایه‌داران و سرداد آن به کارگران، موجب کاهش تورم میشود!)؟ ما با بکارگرسداسعد (!) صدوی کمک بیکار را در سکرسم و از آن طریق بسول بدهیم!

در حین اینگونه نمایندگان به سبب با عمال وزارت سرمایه مشغول بودند کارگران آگاه در با شنیدن توضیح مسائل سیاسی و روزها معه می پرداختند. این کارگران معتقد بودند که فقط با قطع سلطه و سعودا سربال سمس است که مسئولان واقعا متشکل سیکار است را حل نمود.

در پایان فاعل دگراسی که سمانند سگان بدون هیچگونه سربا سده مسخی سرای آسسد، بر نامه سبسی را در روز سیکسبه همه آسده، در جلوجا به کارگر، تعیین کردند! در حالیکه در عمل صحت ظراب کارگران دست اول سده اسبات رسده بود!

هایی که طرمداروا سسی کارگران هستند و سجال با رهاسا سرجوسان در اسراء سدا سب و راستگوشیان را سمان داده اسحداسب. سسد کارگر با گپان سبل کسی که حبری سادس آمده با سدر سید: در مورد سوری سمنگوشی، آسسا سوری سگ سوسر کجوشنی اسب؟ کفم سوری یک رمانی کموسب سود و طرفداروا سسی کارگر-ان دسبا ولی حالا دیکر سب! بعدا را ووا حربه علت آمدن س به وزارت کار رسدم، سوصح داد که اینها که جمع سده‌اند، کارگران کار ساسد سرنس (سهران) هستند که سد سلا سعبا سسرای کرفس حی سسک، سودویره ... سوار سکار بقده در صفحه ۱۷

گفتگویی با یکی از کارگران کارخانه برونز تهران

ها کارها را خراب میکنند؟ گفت: چیز زیادی نمیدانم، ما شنیده‌ایم که توده‌ای که کمونیستند به مصدی خیانت کرده‌اند. گفت: نمی‌گفته‌توده - ایها کمونیستند؟ گفت: خودمان می‌گویند. گفت: اولاً اگر بخوانیم در باره شخص یا گروهی جیزی بفهمیم باید از جاهای مختلف درباره آن تحقیق کنیم، ما نباید حساب حزب نموده‌ها نسبتاً در طرا هر ان کارگردم می‌زنند ولی در واقع بنبغ سرمایه‌دارها و اربابان روسیه کار میکنند از سبب کمونیست-

آنچه که در زیر ملاحظه میکنید خلاصه گزارش است که یکی از رفقای کارگر بیکار هوا دار سازمان برای ما فرستاده است.

روز چهارشنبه (۵۸/۱۰/۵) برای یافتن کار به وزارت کار رفته بودم. جماعتی از زن و مسرد بیرون وزارت کار جمع شده بودند به یکی از مردها نزدیک شدم و گفتم: داداش، برای جسی اینجا جمع شدید؟ گفت: چکار دارم؟ گفتم من برای کار اینجا آمدم، میخواستم بفهمم شما برای چی آمدید، چیزی جوابم نداد، با زحمار کردم. گفت: به ما گفته‌اند کسی صحبت نکنید، چون ممکن است کمونیستها بین شما رخنه کنند و کارها خراب شود. گفتم: زکجا می‌گوئی کمونیست

نان، مسکن، آزادی

گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد باقر عباسی

"خاکسترتر"

با دسحرگهان
هر جا که برود

مردی ز خاک روئید."

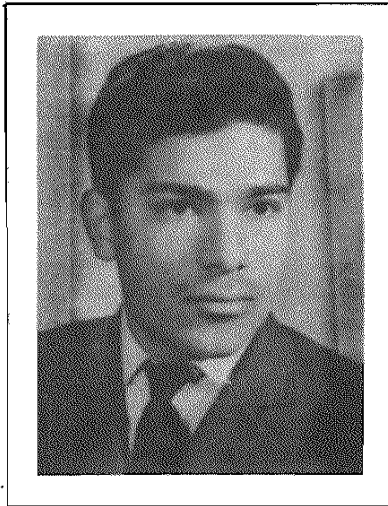
سخن از رفیق شهید باقر عباسی است که عاقلان نه در راه‌ها، نه در زحمت‌ها، نه در مبارزه کرد، با آنان نشست و با دردها، نه در عجبین گشت، به انقلاب تهرانی می‌زور آورد، بزنندگان افتاد و با عشق و امید ازادی زحمت‌گشا و نجس‌ات قریباً نیان جامعه طبقاتی مادر خون خویش در غلغله، و یکی از هزاران ستاره‌سازان انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی میهن ما است. ستاره‌ای سرخ و تابناک که درخشش و فروغ نهائی خود را در راهی طبقه‌کارگری - دانست، او از پیشقراولان جوانان مبارز مابوسی مارکسیسم - لنینیسم این تنها ایدئولوژی طبقه‌کارگر بود.

رفیق شهید باقر عباسی در سال ۱۳۲۵ در شهرستان قم در خانواده‌ای مذهبی بدنیا آمد. دوره اول متوسطه را در قم گذرانده و سپس به تهران آمد. مدت ۲ سال در دبیرستان صفوی به تحصیل اشتغال داشت ولی به علت فعالیت‌های ضد رژیم پان‌چاردسال شوم را در دبیرستان علمیه بگذراند. عشق و علاقه آتشین او به خلق، به کودکان لاغرو نحیف جنوب شهر (که خود آنها را "دوکی" مینامید) و کینه سرشارش به رژیم فاشیستی و فاشیست‌ها (حزب ملل اسلامی) پیوست و پس از کشف شبکه مخفی این تشکیلات با ۴۳ به‌زندان افتاد و در پیدادگاه‌ها سه سال زندان محکوم گشت.

زندانیان برای او مدرسه بود. نحوه مبارزاتش را مورد مطالعه قرار داد و عمیق‌تر و با تجربه‌تر گردید. عشق به خلق و کینه به دشمنان خلق و تجربه مبارزاتی، او را آندیده ترمیم‌ناپذیر رفیق باقر، با غریب‌شاه‌های انقلابی خود دل‌زندانان را با سلسله‌اندوخته‌ها و مت‌خود نشان میداد که غل و زنجیر و شکنجه هرگز مانعی در راه راه‌های زحمت‌گشان به حساب نمی‌آید.

بلافاصله بعد از خاتمه محکومیت او را به سربازی بردند. با قرار سربازی مقرر گردید و بدو با بدترین مناطق فرستاده و بدو به شاق‌ترین کارها واداشته شد. هدف درهم شکستن روحیه باقر رزم‌آور بود، اما با قرار انقلابی بود و روحیه انقلابی، شکست‌ناپذیر است.

با قراردیادگان، شاه‌ها و پادشاهان و تبعیضات جنسیتی بود که در حق رفقای ستمدیده سر - با زسروا میداشتند و به وحشیانه‌ترین شکل ممکن آنها را به بیگاری میکشیدند و بدینسان کینه‌اش آندیده‌تر میگردد و شعله انتقامش شعله‌ورتر، به علت فرارهای مکرر و سرپیچی از او و مرزورگویی بعضی از افسران، شش ماه به خدمتش اضافه کردند. اگر چه پیتش عمیق او در مسائل اجتماعی و شجاعت فوق‌العاده اش، نظامیان را با احترام و امید داشت، ولی به علت ترس از این عنصر انقلابی بیادگانهای متعدد تبعیدش میکردند. بعد از سربازی او دوباره به



مبارزه پیوست و با پشتکار و خستگی‌ناپذیری تمام نیروی خود تلاش میکرد. نه سال مبارزه پیگیر با قریب محور داشت بیشتر تلاش کردن، بیشتر تجربه آموختن و تجربه را بکار بردن.

وی پس از سربازی ابتدا با یک گروه انقلابی همکار می‌کرد، ولی به زودی دریافت که تنها به شکل فعالیت استوار و روش‌گشا یا فتنه‌تری دارد. بدین سبب پس از تصفیه گروه با چند تن از رفقای پیش‌سازان "مجاهدین خلق ایران" پیوست.

برای رفیق باقر در آن شرایط مبارزه انقلابی علیه رژیم محور فعالیت محسوب میشد لذا علیرغم پذیرش مارکسیسم - لنینیسم به مبارزه انقلابی خویش از کانال سازمان مجاهدین خلق ایران ادامه داد. هر چند در کار او از مارکسیسم هنوز پدیدان حد نبود که به لزوم تشکیلات مستقل برای کمونیست‌ها پی برده باشد رفیق باقر طریقه‌شنیدش به دشمنان توده‌ها و شهادت و قاطعیت توده‌های اش سرعت مدارج سازمانی را طی کرد و در مدت فعالیت درون سازمان سمبل پرکاری و وفاداری بود و قیاس از اینکه فرصت تجدیدنظر در شیوه مبارزه اش را پیدا کند علیرغم آنکه به تضادهای درونی این مثنی‌پی برده بود گرفتار آمد و اواک شد.

او به دنبال درس‌دانشگاهی رفت، نه بدنبال شغلی و زندگی ای. وضع لباس و خوراک و زندگی او ساده‌تر از هر کارگر فقیری بود، ولی بلافاصله پس از سربازی بدون اینکه از نظر پلیس شناخته شده باشد، زندگی مخفی را انتخاب کرد تا هر چه از دست‌وپاگیر تر در راه مبارزه گام بردارد.

فداکاری و گذشت، تحمل، مقاومت از ویژگیهای او بود. هر خطری را با وظیفه‌ناهی - پذیرفت، گویی خطر برای او مفهومی نداشت، بطوریکه در این زمینه، مورد انتقاد قرار می‌گرفت. باقر از زیرکی و جلالی خاصی برخوردار بود، او را بیادبیا و رویم که در زمان شهادت مجاهد قهرمان "احمد رضا" در حدود ۳۰ اعلامیه مربوط به شهادت احمد را در کوچه و خیابان در آن جویلیسی، تک تک بمردم میداد و همچون سایه‌ای گریزان لحظه‌ای بعد از ازباقرب بود، او در

هیچکاری از خود عجز نشان نمی‌داد و همیشه مشکلاتترین کارها را بعهده میگرفت و آنرا به بهترین صورت انجام میداد. رفقای انقلابی را چون جان دوست میداشت و رفتا روبرمهر و عاقلانه همیشه محیطی پراز صمیمیت ایجاد میکرد.

او هر وقت فرصتی مییافت با آرا مشگانه خویش میرفت، آرا مشگانه و قلب توده‌سود. جوشیدن و مهربان و با این ستمدیدگان حاکمی از احساسات پاک و انسانی او بود. او در میان آنان رسالت خویش را مییافت. با عطف و وفاداری برای بچه‌های لاغر جنوب شهر داستان می‌گفت و با خریدن بستنی لحظه‌ای دل آنها را شاد میکرد و خود از شادی آنان غرق در شفق میگردد. عمل قهرمانانه و انسانی او در بر خورد مسلحانه خیابان آب‌منگل یا شیخ‌انوشا نشانه مبارزی از عشق او بمردم و کینه نسبت به دشمن بود. در آن روزها قدر بر خورد با یکی از افراد دشمن که قصد با زسی بدنی او را داشت، او را خلع سلاح میکنند و سلاحش را بر میدارد. در این موقع که با قدر مرخص شده است، دشمنان را از عواجل دشمن بود، با سلاحی که از دشمن تصاحب کرده بود دست بمقاومت مسلحانه می‌زنند. گسترده‌گی طبقه‌کارها و با جاززه فرار نمی‌داد. پس با قرتا آخرین گلوله مقاومت کرد و یک دانشجوی پلیس که قصد دستگیری او را داشت و همچنین یک عنصر شور و خور و فروخته را که او هم قصد تعقیب و دستگیری او را داشت، هدف گلوله‌های خود قرار میدهد. با قرتا این لحظه با اینکه بدو عددنا رنجک دستی مسلح بود، ولی به علت اینکه نفجا رنجا رنجک با عت‌گشته شدن عده‌ای از مردم میداشت، زیکا بریدن آنها خود را می‌کرد. درین موقع بخاطر اینکه زنده بدست دشمن نیافتد، با قرتا قریب سسی اقدام به جان‌نثاری میکند. با قرتا در این حالت که سم‌بتدریج در بدن او تاثیر می‌کرد برای مردمی که در اطراف او بودند نیک سخنانی کوتاه که در دهانش نه عظمت روح انسانی او و عشق عمیق او بمردم بود. او چنین گفت:

"مردم من جان و جوانی و همه چیز خودم را در راه شما داده‌ام. با اینکه الان دونا رنجک دارم که هر کدما مبرای کشتن همه شما کافی است، ولی من آنها را بکار نمیبرم. چه کسی را بکشم؟ شما را؟ محال است. من چگونه میتوانم مردمی را که همه چیز مرا در راه آنها داده‌ام بکشم؟ نه برادران، نه من هرگز چنین کاری را نمی‌کنم". و پس شروع به توضیحاتی در مورد هدفهای انقلابی و انسانی اش میکند. در این موقع یکی از دریده‌چشم‌سازان او را که دیگر توانایی نداشت، زیرکتک و مشت و لگد گرفت. در این موقع مردمی که اطراف باقر جمع شده بودند و سخنان وی قلب آنها را لرزاند و روشن کرده بود، بخشم آمده و بر سر آن قاتل دریده چشم ریختند که

با قرتا از دست او نجات دهند.

سراجام باقر به سارت در آمد. سال‌ها ماندن همه اطلاعاتی که او داشت و اینکه قرارهایش را با رفقای بدست دشمن نداده بود، برای ماشکی باقی نگذاشته بود که با قرتا سر سم یا شکنجه شهید شده است. رفقای باقر به آسودگی تمام بمدت سه ماه در محدوده اطلاعات با قرتا و آمد میگردند. حتی در زندان و نیز خانوادها برای او مراسم شهادت گذاشتند. ولی بقیه در صفحه ۱۹

تبریک سازمان به خلق قهرمان فلسطین

برادران سرعفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین وفرمانده کل نیروهای انقلاب فلسطین

با نهایت مسرت ، با نزد همین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین را به شما و به کلیه نیروهای انقلابی فلسطینی و بیوزنه نیروهای عاصمه و خلق مبارز فلسطین تبریک میگوئیم . هر چه زمان میگذرد ، پیوندتیرا در انتهایین خلقهای ایران و فلسطین که زاده راده مشترک خلقهای دو کشور در مبارزه علیه امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع است استوار تر میگردد . این پیوند سرنوشته آزادی کامل فلسطین و نابودی سلطه امپریالیسم در سر منطقه ادامه خواهد یافت .

خلقهای ایران ستمدیده ، مبارز و قهرمان ایران که در انقلاب دمکراتیک خویش با او زگون کردن رژیم شاه ، ضربه زدن تا کی بر پیکر امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع زدنند ، همچنان دوش دو خلق فلسطین در راه تعمیق هر چه بیشتر انقلاب دمکراتیک خویش به پیش میروند و یقین دارند که روزی شاهد برپائی دولت دمکراتیک فلسطین بر روی رانه دولت صهیونیستی اسرائیل خواهند بود . پیروزی ای که با ادا مپیگیریانه انقلاب و نیروی رژیم و ارتجاع و حمایت شده های زحمتکش فلسطینی میسر خواهد گشت .

انقلاب تا پیروزی

پیروز باد مبارزه خلقهای ستمدیده منطقه اول ژانویه ۱۹۸۰ (۵۸/۱۰/۱۱)

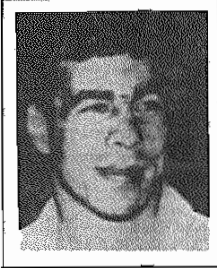
" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر "

باز هم جنایت ارتجاع!

دو تن دیگر از عناصر مبارز و مترقی مبینان ، برادران مجاهد احمد عسکری سروستانی و عبیدالحسین عسکری سروستانی ، قربانی جنایات و توطئه های ارتجاعی هیئت حاکمه گشتند . این دو مبارز در تارتستان گذشته در جریان یک درگیری محلی که به قتل دونفر منجر شده بود دستگیر شدند طبق بیانیه سازمان مجاهدین خلق درگیری با توطئه تحریک آمیز عوامل ارتجاع بر علیه یکی از دو مبارز در شهید ترتیب داده شده بود .

دادسرای انقلاب اسلامی شیراز در جریان محاکمه محمد عبیدالحسین عسکری را به اعدام و برادر سوم آنها را که اصولا در جریان درگیری داخلی نداشته است به حبس ابد محکوم میسازد . حکم اعدامی باطلت سوابق مبارزاتی دو مجاهد موردا اعتراض سپاه پاسداران شیراز قرار گرفته و بتعمیق میافتد . سپس آنها را به قم منتقل میکنند و علیرغم وعده ای که برای تعیین وکیل به آنها داده و دوستان آنها داده میشود ، بدون خبر در تاریخ سه شنبه سوم دیماه حکم اعدام بدستور دادگاه انقلاب اسلامی قلمبها اجرا گشته میشود .

جهان پهلوان تختی ، یادت گرامی باد!



تواندر سینه های گرم خواهی زیست
توبا انبوه پاک مردمان خوب قلب شهر
خواهی مانسد .

۱۷ دی ماه امسال مصافعات با دوازدهمین سالگرد شهادت غلامرضا تختی قهرمان کشتی ایران بدست ما مورین جلادسا واک چه بیهوده رژیم کوشید که شهادت این قهرمان ملی را خودکشی اعلام کرده ، خاطر اهر از اذهسان توده ها پاک شما یسد .

تختی در شهریور ماه ۱۳۰۹ در محله ققبر نشین خانی آبا دتهران بدنیا آمد و دوران کودکی را با رنج و مشقت سپری نمود . با زرتسن خصوصیت تختی عشق اوبه توده ها و زندگی با آنها بود . چرا که او خود را جزئی از آنها می دانست و با پوست و گوشت خود در دورنجان آنها احساس میکرد . تختی ورزش کشتی را در خدمت اهداف سیاسی و مبارزه با رژیم خائن پهلوی قرار داده بود و همین امر بود که او توانست جای خود را در قلب توده ها بگناید . شهادت او

قهرمان ملی انگیزه ای برای مبارزات توده ای که بسا از سرکوب خوسین ۱۵ خرداد ۴۲ فروکش کرده بود ، نگردید . در مراسم چهلیم این قهرمان شهید پیش از نیم میلیون نفر شرکت کردند که این امر در آن سالهای سرکوب و خفقان نشانی عظیمی بود که مستقماً در بارش پهلوی و رژیم مزدور سلطنتی را هدف قرار داده بود . این تجمع عظیم توده ای که با شعارهای منحصافشاکننده منجر به زده خوردن ما موریس رژیم گردید آغازی بود برای حرکات مبارزاتی و ستمگرانه در سالهای بعد اوج بیشتری یافت .

ما به همراه همه خلقهای ستمدیده ایران ، خاطر اهر این شهید قهرمان را گرامی میداریم .

حمله به میتینگ فدائیان خلق را محکوم میکنیم!

چنین صحنه های دردناکی هستیم که منحصراً به تحریک باندهای ارتجاعی حاکم و استعمار ناآگاهی و گمراهی کور مذهبی در میان افتاری از توده ها صورت میگردد . لکن امروز هیئت حاکمه میکوشد با صلاح " مبارزات فدائیسریالیستی " خود را وسیله و محملی برای طمس چربانهای انقلابی و مترقی که مبارزه و اعصی علیه امپریالیسم را از مبارزه علیه سرمایه داری واسته و ارتجاع داخلی جدا نمیدانند قرار دهد و به این اعتبار تمام چربانهای ما را و انقلابی مردم ، نیروهای کمونیست و انقلابی را بسپارند و بدین با با مطلق " مبارزات فدائیسریالیستی " ایشان سرکوب کند . امروز انضای توطئه ها و تحریکات هیئت حاکمه و طبقه بسیار حساس و مهمی است که در کنار شرکت فعالانه در مبارزات فدائیسریالیستی توده ها بردوش کمونیستها و تمام نیروهای انقلابی قرار دارد .

در انضای توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی هر چه مصممانه تر به پیش!

عصر جمعه ۱۴ دیماه ، دانشکده پلی تکنیک در آنجا ای که از سوی سازمان چریکهای فدائی خلق و در رابطه با انضای اسنادی از سازشها و خیانتها هیئت حاکمه برگراشد ، او با شان و چماق بدستان حرفه ای با زدیگر صحنه ای فجیع و در عین حال ، دردناک را آفریدند ، مهاجمین با چهره های برافروخته و سرشار از تصعب کور خود تنها به دانه شعارهای مبتذل و فدا انقلابی علیه کمونیستها بسنده نکردند . آنها با سنگ و تکه تکه جروجوب و هر چه در دست داشتند به جمعیت حاضر در دانشکده حمله ور شدند . بدینال اینتها جموحشیا نه بود که زد خورد خونیینی در گرفت که منجر به مجروح شدن دهها تن از مردم گشت (از رقم دقیق مجروحین اطلاعی در دست نیست) ، در پی آن دقا تشر دا نشجویان پیشگام و دانه نشجویان هسوادار سازمان پیکار در دانشکده پلی تکنیک نیز مورد هجوم و غارت وحشیانه این عناصر مرتجع و نا آگاه قرار گرفت .

برای نخستین بار نیست که شاهد وقوع

این عمل ارتجاعی موردا اعتراض وسیع نیروهای دمکرات و انقلابی و دانشگان هیئت مترقی قرار گرفته است . (توطئه های خائنانانه جنایتکارانه هیئت حاکمه پیش از این نیز از نیروهای کمونیست ، انقلابی و دمکرات بسیار قربانی گرفته است . در اینجا نیز گمانی که دستشان به خون این جوانان آلوده است وقتی با اعتراض بحق نیروهای مبارز انقلابی توده ها روبرو میشوند ، شروع به دروغ گفتن مینمایند . همان کاری که خلخالی جلاد پس از اعدام و پشه شهادت

این عمل ارتجاعی موردا اعتراض وسیع نیروهای دمکرات و انقلابی و دانشگان هیئت مترقی قرار گرفته است . (توطئه های خائنانانه جنایتکارانه هیئت حاکمه پیش از این نیز از نیروهای کمونیست ، انقلابی و دمکرات بسیار قربانی گرفته است . در اینجا نیز گمانی که دستشان به خون این جوانان آلوده است وقتی با اعتراض بحق نیروهای مبارز انقلابی توده ها روبرو میشوند ، شروع به دروغ گفتن مینمایند . همان کاری که خلخالی جلاد پس از اعدام و پشه شهادت

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست